هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان



استاد برهان الدین ربانی در محراق تحولات سیاسی افغانستان

استاد (رح) عالم و مجتهد دینی، آزاد اندیش و اعتدال پسند، شخصیتی حلیم و متواضع، یک رهبر واقعی افغانستان شمول و دارای روابط گسترده با جهان بود. مردم شمال و جنوب و شرق و غرب کشور استاد را دوست داشتند و استقبال می کردند. ص۳

دور ششم – سال دهم – شمارهٔ سی و دوم ۸ دلو ۱۳۹۰ ٤ ربیع الاول ١٤٣٣ – 28 January 2012

موضوع افغانستان در سومین سخنرانی سالانهٔ اوباما کمرنگ بود



روز سه شنبه تاریخ ۴ دلو سال روان باراک اوباما رئیس جمهور امریکا سومین سخنرانی سالانهٔ خود را در کانگریس این کشور ایراد نمود. او در خطاب با اعضای کانگریس و رهبران نظامی این کشور، به مواردی از جمله سیاست خارجی و بحران اقتصادی امریکا اشاره کرد.

باراک اوباما در این سخنرانی با اشاره به دستآوردهایی حکومت اش از جمله کاهش میزان بیکاری در بعد داخلی اشاره نموده برای مردم امریکا امید ایجاد نمود. در عرصهٔ روابط خارجی از مرگ اسامه بن لادن رهبر القاعده، مرگ قذافی رهبر لیبی و مواردی اشاره نمود که در زمان حکومت او به وقوع پیوسته و از دستآوردهای زمان زمامداری سه ساله اش به زعم او محسوب می گردد. ص۲

امریکا و مسیر دشوار صلح در افغانستان

*** وحید مژده**

از نخستین تماس میان امریکا و طالبان حدود یک سال سپری شد ولی هنوز این روند به مسیری که انتظار می رفت، وارد نشده است. امریکایی ها از یکطرف می گویند که طالبان را دیگر دشمن بشمار نمی آورند ولی از جانب دیگر از آنان تقاضا دارند تا رسما جدائی خود از القاعده و تروریسم اعلام نمایند.

اینکه طالبان حاضر می شوند تا با امریکایی ها به مذاکره بپردازند، خود به معنی جدائی از القاعده است زیرا القاعده هرگز حاضر به مذاکره با امریکا نیست بلکه یگانه راه حل را نابودی امریکا از راه جنگ می داند.

مارک گروسمن نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان در سفری به منطقه، دیداری هم از کابل داشت. هدف از این سفر، مذاکره با مقامات افغان در مورد مذاکرات صلح در قطر خوانده شد و وی در دیدار از کابل، بار دیگر بر این نکته تاکید داشت که باید طالبان به صورت رسمی تروریسم را تقبیح نمایند.

از جانب دیگر سفارت امریکا در کابل نیز طی یک اعلامیه ای تاکید می کند که ما در شرایطی با طالبان صلح می کنیم که آنها قانون اساسی افغانستان را بپذیرند، جدائی خود از القاعده را اعلام نموده و از خشونت دست بکشند.

به نظر می رسد که این اعلامیه دو سال قبل نوشته شده است زیرا موقف دو سال قبل امریکا چنین بود اما اکنون که ملاقات هایی میان امریکا و طالبان صورت گرفته و قرار است طالبان دفتری در قطر داشته باشند، تکرار این موقف، نوعی چند دستگی در میان مراجع مختلف را در امریکا نشان می دهد.

به نظر می رسد که امریکا در رابطه به افغانستان، نوعی سردرگمی است و این مسئله موجب می شود تا موقف طالبان را قوی تر و موقف امریکا را ضعیف نشان دهد. کشوری که ادعای رهبری جهان را دارد اما میان رهبران آن در مورد یک مسئلهٔ مهم همفکری وجود ندارد.

سوال اصلی که در طول یک دهه جنگ علیه تروریسم بر آن توافق صورت نگرفته، تعریف مشترک و مورد قبول همه از تروریسم است. به همین دلیل، امروز ص۳

پیروزی جنبش اخوان المسلمین:
لبخندی بر مارکسیزم مدفون و لیبرالیزم حاکم

- **پوهنمل سید عنایت الله شاداب**

اشاره: دهه های اخیر قرن بیستم شاهد چندین نظر در عرصه های علوم اجتماعی و سیاسی بود که از آن جمله می توان به نظریه های پایان تأریخ « فوکویاما » و نظریهٔ جنگ تمدن ها « هانتنگتون» و نظریهٔ «شکست اسلام سیاسی» « او لیو روا» ی فرانسوی اشاره کرد که محور این نوشتهٔ کوتاه را هم همین نظریهٔ اخیر تشکیل می دهد. در پیوند به پیروزی اسلام سیاسی در مصر به رهبری جنبش اخوان المسلمین در چارچوب حزب « حریت و عدالت» است، به رشتهٔ تحریر درآمده است.



بهار عربی به گونهٔ عام و پیروزی جنبش اخوان المسلمین به حیث سازمان مادر برای همه نهضت های اسلامی در سراسر جهان، در انتخابات پارلمانی، پدیده های اند، قابل بحث و بررسی، پدیده های سیاسی که مفکران و نظریه پردازان جامعه شناس در پیوند به احزاب اسلامی را نیز دست و پاچه ساخته است. اکنون که همه تلاش های اسلام زدایانه در گوناگون اشکال آن از تلاش های مراکز فکری و سیاسی اردوگاه مارکسیزم مدفون در شکل شعار های « دین افیون ملت ها است» و زادهٔ روابط تولید دورهٔ فیودالیزم و... گرفته تا فعالیت های اردوگاه لیبرالیزم در شکل شعارهای سپری شدن دوران دین و جاگزین شدن عصر علم به جای آن و محکوم به شکست بودن اسلام سیاسی... محکوم به شکست شده اند، بائیسته می نماید که پژوهشگران عرصهٔ نهضت های اسلام سیاسی صفحهٔ جدیدی را در شناخت سر از نو این جنبش ها باز کنند، جنبش های که موتور پویائی و تحرک آن ها را اسلام تشکیل داده و نقش اساسی را در کشانیدن توده در عقب این تحرک و دینامزم سیاسی بازی می کند.

آری! باید در برابر رهبری بهار عربی در جهان عرب و منظومهٔ فکری آن که نه تنها اخوان المسلمین را که از آن به جنبش میانه رو اسلامی تعبیر می کنند، بر اریکهٔ پیروزی رسانده که حزب سلفی «نور» را که از آن به جنبش افراطی اسلامگرا تعبیر می کنند- نیز به پیروزی رسانیده است، موضع جدید، اتخاذ نمایند و ازین موضع با آن ها وارد دیالوگ شوند.

اینک با این اشارهٔ نسبتاً طولانی باید پرسید که اخوان المسلمین چگونه تشکلی است و بنیانگذار آن کی است، ص۲

امضای پیمان و سند های استراتژیک

به سلسلهٔ پیمان ها و اعلامیهٔ های استراتژیک افغانستان با کشورهای ذیعلاقه، این بار آقای کرزی رئیس جمهوری افغانستان در رأس هیأتی عازم کشورهای ایتالیا، فرانسه و انگلستان شده است. تا با این کشورها پیمان و سند همکاری استراتژیک را امضاء نماید. به گفتهٔ سخنگوی وزارت امور خارجه، محتوای سندهای همکاری های درازمدت حاوی طیف وسیعی از همکاری ها از جمله، همکاری های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و همکاری های دیگر خواهد بود. پیش از این وزارت خارجه از آمادگی کشور آلمان برای موافقت پیمان استراتژیک خبر داده بود.

پیش از این افغانستان با کشور هندوستان پیمان استراتژیک را به امضاء رسانید. هند نیز از جمله کشورهایی است که در یک دههٔ اخیر کمک های قابل ملاحظه ای بخصوص در عرصه های بازسازی و تعلیمی در کشورما داشته است.

آنچه برای کشورما مهم پنداشته می شود، امضای پیمان استراتژیک با امریکاست، که بدین منظور لویه جرگهٔ عنعنوی دایر شد و نظر ۲۲۰۰ تن در زیر چتر خیمهٔ لویه جرگه در کابل گرفته شد و قطعنامه ای هم صادر گردید. آنچه مایهٔ نگرانی بود، ایجاد پایگاه دایمی امریکا در کشور بود که از جانب اشتراک کنندگان این جرگه در بند دهم قطعنامه رد شد. « با دایمی بودن پایگاه های نظامی در افغانستان حکومت افغانستان مخالف است.» اما در دیگر عرصه ها مفید خوانده شد.

عقد پیمان ها و موافقتنامه ها و سندهای راهبردی با کشورها، کشورما را به سوی ثبات و توانایی بیشتر سوق می دهد، اما آنچه مهم به نظر می رسد، جنبهٔ اجرایی آن است.

راهکارهای خشونت علیه اطفال جستجو و به آن رسیدگی شود ص۲

باید های سال دوم در مجلس نمایندگان ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸٤۰۸٦۳۵ / ۰۷۷۲۰۳٦٤۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

راهکارهای خشونت علیه اطفال جستجو و به آن رسیدگی شود

خشونت و حقوق ناشناسی پدیدهٔ جدید در کشور ما نیست. در طول دوره ها مردم ما شاهد خشونت و حق تلفی علیه خُردسالان و بزرگسالان بوده اند. افغانستان ۱۸سال پیش کنوانسیون حقوق کودک را به امضاء رسانیده است، اما تاکنون موفق به اجرای مفاد این کنوانسیون نگردیده است. قوانینی در کشورما هم در حمایت از کودکان وضع شده، اما این قوانین همانند سایر قوانین در عمل نتوانسته آنگونه که لازم است، تطبیق گردد.

وزارت کار و امور اجتماعی کشور که از کاهش میزان خشونت ها علیه اطفال سخن می زند، از ثبت بیشتر از نه هزار مورد خشونت در پنج سال اخیر خبر داده اند.

هفتهٔ گذشته، آقای واصلنور مهمند معین مسلکی وزارت کار و امور اجتماعی که در سمینار دو روزهٔ بررسی فعالیت های شبکهٔ حفاظت از اطفال، صحبت می کرد، خشونت های عمده علیه اطفال را دوازده مورد (انجام کارهای خلاف قانون، تجاوزهای جنسی، ازدواج های پیش از وقت، دوری از فامیل، اختطاف، اعتیاد به مواد مخدر) برشمرد.

به گفتهٔ آقای واصل نور مهمند، به هشتاد درصد از قضایای خشونت در برابر اطفال در پنج سال اخیر رسیدگی صورت گرفته و بیست درصد متباقی در حالت طی مراحل قرار دارند.

وزارت کار و امور اجتماعی در این سمینار، روی دریافت نواقص، فعالیت شبکه های حفاظت از اطفال، تطبیق کنوانسیون حقوق اطفال و راه اندازی سمینارها و ورکشاپ ها در ولایات و ولسوالی ها، تأکید نمود. تا بتواند بدینوسیله اطفال را از خشونت نجات دهد.

طبق قوانین حقوق بشر، کودک یا طفل به انسانی اطلاق می شود که سن زیر هجده سال باشد، خشونت در برابر اطفال در کشورما، از دید اکثریت پوشیده نیست و رسانه ها هم تا حد توان، در انعکاس آن اتمام حجت کرده و به نشر رسانیده اند. نبود امنیت سرتاسری، بی توجهی در اجرای قانون، فساد اداری، فقر، بیسوادی، بیکاری و کارهای شاقه، از جمله عواملی اند که بر خشونت علیه اطفال تأثیرگذار است.

کودک ربایی از عوامل دیگریست که برخی کودکان را ترسو و بی تربیه بار می آورد. زیرا از جانب فامیل و مکتب به کودک تفهیم می شود که، در بیرون از منزل و مکتب با فرد ناشناس صحبت نکند، او را به جایی رهنمون نشود، چیزی که برایش می دهد، از گرفتن آن اباء ورزد و نخورد. اینها نیز از عواملی است که رفته رفته کودکان را از همدردی اجتماع بدور می سازد و کودکان به مرور زمان اعتمادشان را نسبت به دیگران از دست می دهند که این خود ضربهٔ محکمی است بر پیکر انسان های، که ضرورت به زیست باهمی دارند.

بر مراجع ذیربط است تا راهکارهای خشونت علیه اطفال را جستجو و به رفع آن تلاش نمایند. زیرا اطفال آینده سازان و در حقیقت سنگ زیربنای جوامع بشری اند، در صورتی که مراجع مسوول، بالای این قشر سرمایه گذاری ننمایند و توجهٔ لازم بخرج ندهند، اینها اند که بزرگ می شوند، عملکرد خوب و بد اینها بالای جامعه اثر می گذارد.

پیروزی جنبش اخوان المسلمین:

لبخندی بر مارکسیزم مدفون و لیبرالیزم حاکم



ادامه از صفحهٔ اول

این جنبش اسلامی در چه شرائطی پا به عرصهٔ وجود گذاشت؟

البته پاسخ درخور شأن این پرسش ها از حوصلهٔ این نوشتار گذرا، بدور بوده ولی به گونهٔ مختصر باید یادآور شد که جنبش اخوان المسلمین به حیث یک جنبش اسلامگرا در سال ۱۹۲۸ بنیانگذاری شده و چار سال بعد از سقوط خلافت عثمانی در ۳ مارچ ۱۹۲۴ به فعالیت های خویش آغاز کرد. یکی از شعارهای آن آزادی سرزمین های اسلامی بود که به حیث ترکهٔ سلطان عبدالحمید آخرین خلیفه عثمانی- که از آن به مرد مریض تعبیر می کردند- در میان انگلیس و فرانسه تقسیم شد.

بنیانگذار این جنبش را جوانی به نام حسن البناء که سنش بنا به روایت تأریخ نگاران از ۲۳ و یا ۲۴ تجاوز نمی کرد به عهده داشت. این جوان در آغازین سال های بنیانگذاری جنبش اخوان، با پیام خویش و ضرورت ایجاد چنین حرکتی از دو هزار قریه در مصر دیدن کرد و خطابه های ایراد نمود و پیام خود را به طیف های مختلف جامعه از دهقان و کارگر گرفته تا عالم دین و متنفذ قوم رسانید و در ابلاغ پیام خویش، افزون بر استفاده از منبر های مساجد، از چای خانه ها، هوتل و رستورانت ها و مراکز تجمعات مردمی نیز بهرهٔ کافی برد.

حسن البناء برای اولین بار آنگاه که مشاهده می کرد فلسطین در حال فرو رفتن در کام دشمنان است و دولت های موفق تماشاگر نشسته اند ضمن فرستادن تلگرامی به آن ها گفت، اگر واقعاً شما خواهان نجات فلسطین هستید، به من اجازه دهید که ما و هزار مرد مسلح داخل فلسطین می شویم و آن را آزاد می سازیم، البته در چارچوب چنین اندیشه قبلاً چار گروپ از مصر و یک گروپ از شاخهٔ اخوان در سوریه به فرماندهی داکتر مصطفی سباعی مفکر و اندیشمند معروف اخوان، و گروپی از شاخهٔ اخوان در عراق به فرماندهی شخصیت معروف جهان اسلام محمود صواف و گروپی هم از شاخهٔ اخوان اردن به فرماندهی عبداللطیف ابو قوره، ارسال گردیده بودند.

حسن البناء با ایفای نقش بیدارگرانهٔ خویش در جهان اسلام که سید جمال الدین افغانی آغاز گر آن بود، در اثر توطئهٔ دولت های خارجی که سیاست آن وقت مصر را رهبری می کردند، در سال ۱۹۴۹ ترور گردید که نقراشی نخست وزیر و ملک فاروق نقش عمده ای را در اجرای این توطئه داشتند.

اخوان المسلمین زمانی تشکیل شد که معاهدهٔ «لوزان» که توسط «کرزو» وزیر خارجهٔ انگلیس و عصمت انینو معاون مصطفی کمال انعقاد یافته بود که بر طبق آن کشور های اسلامی باید خلع هویت اسلامی می شدند و مصر زمینهٔ خوبی بود برای تطبیق این برنامه که با آمدن محمد علی باشا و اخلاف او در حکومت مصر چنین رخنه ای آماده گردیده بود. در چنین شرایطی که مصر وارد خلع هویت اسلامی و ملی گردد جنبش اخوان توسط فرزندان غیوری که تعداد شان از هفت نفر تجاوز نمی کرد به رهبری حسن البناء تأسیس گردید.

اما با ترور حسن البناء و اعدام صدها شخصیتی چون عبدالقادر عوده، سید قطب و... چراغ دعوت او خاموش نگردید، زمینه ساز آن شدکه شخصیت های بزرگی در عرصه های فکر و فرهنگ، سیاست و ادب و... در مصر عرض وجود کنند و راه او و دعوتش را ادامه دهند و شاخه های آن در سرتا سر جهان اسلام پرچم این دعوت را بر افرازند و انتقام خون شهدای چون عبدالقادر عوده و سید قطب را بگیرند. طوری که «عوده» در پایهٔ دار گفته بود، نفرینی شد بر همه زمامداران مصر از ملک فاروق، جنرال نجیب، جمال ناصر و عبدالحکیم عامر گرفته تا سادات و مبارک.

اخوان المسلمین در برابر این مظالمی که رژیم های مختلف سیاسی در برابر او روا داشتند مقاومت و دعوت آنان نه تنها از میان نرفت که پایگاه مردمی آنان گسترده تر و نسل های نو و جوان علم آن را بدوش گرفتند و به حیث یک نیروی عظیم وارد میدان تحریر گردیده و بدون این که شعار گروهی و تفرقه افگنانه ای سر دهند، شعار های «ارحل» (برو) و «لا مبارک» (مبارک نه) را توسط توده های میلیونی مردم سر دادند و نظام فروپاشید و اکنون عناصر کلیدی نظام را به شمول شخص مبارک و پسران او در محاکمه قرار دادند و در انتخابات مصر ۴۷ درصد آرای ملت مصر را کمائی کردند و رهبری پارلمان مصر را در اختیار گرفتند.

البته این پیروزی اخوان در مصر عواملی دارد که بحث همه جانبه پیرامون آن از توان این نوشته بدور است ولی چند نکته را نباید درین پیروزی اخوان از نظر دور داشت:

۱- قرائت واقعگرایانه از آموزه های کلی اسلام بدور از افتیدن در اختلافات فقهی و مذهبی

۲- شناخت کامل از عصر کنونی و نظریات حاکم بر آن و توجیه منظومهٔ فکری خود در عرصه های مختلف زندگی به زبان عصر

۳- استفاده از ابزارها و فن آوری جدید در عرصهٔ پیام رسانی

۴- دگردیسی و تحمل نظر مخالفان سیاسی

و اما درس این پیروزی برای نهضت های اسلامی و آن های که می خواهند درین کشور ها زمام رهبری را به دست گیرند، بحث دیگری است که می شود در مقالهٔ دیگری پیرامون آن حرف زد.

موضوع افغانستان در سومین سخنرانی...

در همین حال او سعی نمود، سخنرانی را به گونهٔ ارائه نماید که سیاست های او را در پیوند با انتخابات ریاست جمهوری پیش رو، تا حدودی روشن کند.

باراک اوباما در این سخنرانی پالیسی های خارجی حکومتش را در قبال خاورمیانه، تحولات دنیای عرب، مصئونیت امنیت اسرائیل، تحریم های ایران و جنگ افغانستان بیان داشت.

او در مورد افغانستان اشاره های کوتاه داشت و تصریح کرد که نقش نیروهای امریکایی در افغانستان در حال کاهش یافتن است. اوگفت: جنگ درافغانستان به رهبری امریکا در حال پیروز شدن است. وی با بیان این که اکنون نیروهای افغانستان آماده شده اند، تا امنیت را به تنهایی تأمین کنند و طالبان و القاعده دیگر پناهگاهی در این کشور ندارند، این مسئله را از دستآوردهای استراتیژی حکومت سه ساله اش عنوان نمود.

او گفت تا زمانی که نیاز باشد، افغانستان را تنها نمی گذاریم و به کمک های خود در بخش های مختلف به منظور توسعهٔ پایدار، این کشور را حمایت می نماییم.

در همین حال راین کروکر سفیر امریکا در کابل گفته است که امریکا از نقش افغان ها در رهبری صلح و مذاکره باطالبان حمایت می نماید و هر نوع صلح با مخالفان مسلح دولت بدون حضور جوانب دَیدخل را ناممکن دانست.

این در حالی است که از مدت ها بدینسو امریکا مذاکرات مخفی با طالبان را درآلمان و قطر و جاهای دیگر بدون حضور افغان ها آغازنموده است.

استاد ربانی در محراق تحولات سیاسی افغانستان

آنچه می خوانید، مقالهٔ آقای عزیز احمد بارز کاندیدای سال چهارم دکترای حقوق در دانشگاه آکسفورد است، که در کنفرانس تحت عنوان «شهادت استاد برهان الدین ربانی، ترورها زنجیره ای و اثرات آن بر آیندهٔ سیاسی افغانستان» که به تاریخ نهم کتوبر ۲۰۱۱در لندن برگزار شده بود، به خوانش گرفته است.

بنام خداوند جان وخرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

صحبت کردن در مورد شخصیت استاد (ربانی) رح ؛ شهید صلح افغانستان که به اندازهٔ عمر من وقت خویش را در راه مبارزات آزادی خواهانه و رهبری مردم بر مبنای آرمان های والای انسانی صرف کرد، خیلی دشوار است. در تاریخ مبارات سیاسی افغانستان، شخصیتی را به گستردگی شخصیت استاد ربانی نداریم. صحبت در هر یکی از زوایای شخصیت گران ارج استاد، مستلزم پژوهش و مقالهٔ جدا گانه است. درین نوشتار به شمهٔ از فعالیت های سیاسی و کارنامهٔ ماندگار فرهنگی استاد می پردازم.

استاد (رح) عالم و مجتهد دینی بود آزاد اندیش و اعتدال پسند، شخصیتی بود حلیم و متواضع – او یک رهبر واقعی افغانستان شمول و دارای روابط گسترده با جهان بود. مردم شمال و جنوب – شرق و غرب افغانستان او را دوست داشتند و استقبال می کردند.

استاد ربانی ۷۱ سال پیش در ولایت بدخشان چشم به جهان گشود. پروفیسور ربانی بعد از فراغت از دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل در سال ۱۳۴۲ به حیث استاد دانشکدهٔ الهیات پذیرفته شد؛ بعد دو سال تدریس به دانشگاه الازهر مصر رفت و در سال ۱۳۴۷ در رشتهٔ فلسفه و علوم اسلامی ماستری گرفت و بلافاصله رسالهٔ دکترای خود را تحت عنوان "جنبه های علمی و فلسفی زندگی عبدالرحمن جامی" ثبت نمود ؛ استاد بعد از بازگشت مجددا به تدریس در دانشگاه کابل پرداخته و با جمعی از همرزمانش جمعیت اسلامی را اساس گذاشت؛ مردی استثنایی که از کوه پایه های پامیر قد برافراشت و به یمن خرد؛ دانش و فراست سیاسی بدون پشتیبانی دودمانی به کرسی ریاست جمهوری برگزیده شد.

استاد ربانی با نهضت های اسلامی در سراسر جهان از مصر تا مالزی و الجزایر، از جمهوری اسلامی ایران تا جمهوری ترکیه روابط گسترده داشت و با رهبران نهصت های اسلامی روابط ویژه ایجاد نموده بود. استاد در قاهره با رهبران اخوان المسلمین و به تعقیب آن با حسنی مبارک حاکم وقت مصر ملاقات می نمود. استاد با رهبران نضهت های اسلامی از روابط حسنه و دوستی عمیق داشت. در همه حالات، استاد (رح) از داعیهٔ برحق مردم فلسطین در کنار افغانستان یاد می کرد و خواهان حل عادلانهٔ موضوع فلسطین بود.

فعالیت های سیاسی:

استاد ربانی از بدوِ آغاز مبارزات سیاسی و تاسیس جمعیت اسلامی به مبارزهٔ بدون خشونت باور داشت و رسیدن به قدرت سیاسی را از راه های نامشروع مردود می دانست. استاد به مبازرات سیاسی مردمگرا باور داشت.

کودتای محمد داوود درسال ۱۳۵۳و تمایل داوود خان به احزاب چپ افغانستان باعث دستگیری تعدادی از راهروان نهضت اسلامی در افغانستان شد. استاد ربانی با وجود مهاجرت از کشور، مدت ها تلاش کرد تا بتواند از راه مبارزهٔ سیاسی در قدرت سیاسی کشور سهیم شود، اما با کودتای ثور ۱۳۵۷ این مجال از دست رفت و استاد شهید به همآهنگی جهاد مسلحانه را آغاز کرد.

استاد ربانی (رح) باتدبیر کامل توانست نیروهای بشری کشور را که متشکل از شخصیت های سیاسی و فرهنگی از همهٔ نقاط کشور بودند با دیدگاه متفاوت در محور جمعیت اسلامی جذب نماید. فضای باز سیاسی – فرهنگی و محور های روشن مبارزه علیه اشغالگری و بی عدالتی باعث شد تا بیشترین فرماندهان نام آور کشور در نقاط مختلف افغانستان تحت زعامت استاد شهید محور های اساسی و مهم در جهاد و مبارزهٔ آزادیخواهانهٔ مردم افغانستان باشند .

استاد ربانی در دوران مبارزات سیاسی خویش دارای خلاقیت و نو آوری قابل ملاحظه و ملموس بود و همیشه از دگم اندیشی ها و برخوردهای ابزاری که باعث انزوای سیاسی کشور می شد، پرهیز می کرد. استاد در زمانی که عدهٔ از رهبران جهادی مذاکره با امریکا و غرب را ظاهراً نمی پذیرفتند برای اولین بار در سال ۱۳۶۷ به واشگتن سفر می کند و به یخ های روابط پنهان آب داغ می ریزد. در شرایط حساسی که جبهه های جهاد علیه اشغالگران روسی گرم بود و روزانه بم افگن های آنها مردم را هدف قرار می دادند استاد ربانی در ۱۹۹۱ جهت مذاکره با رهبران کریملین در راس هیأت مجاهدین به مسکو سفرکرد؛ سفر های تاریخی استاد ربانی به واشنگتن و مسکو بر روحیهٔ مبارزات و موقعیت سیاسی مجاهدین نقش مهم و ارزنده داشت.



استاد ربانی در سال ۱۳۷۱ با سقوط حکومت داکتر نجیب الله و دورهٔ دو ماههٔ حاکمیت حضرت صبغت الله مجددی رسما زعامت سیاسی کشور را برای چهار ماه به عهده گرفت ؛ قرار فیصلهٔ رهبران جهاد در جریان شش ماه باید زمینه انتخابات مهیا می گردید بنا بر آغاز جنگ های مسلحانه از جانب انجنیر گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی در تبانی با استخبارات همسایهٔ جنوبی زمینهٔ برگزاری انتخابات مساعد نگردید ؛ حکومت مجاهدین مجلس بزرگ اسلامی را تحت نام (شوری اهل حل و عقد) دایر نمود که نمایندگان مردم زعامت استاد ربانی را برای ۱۸ ماه تمدید کردند.

اما استاد در جلسهٔ رهبران جهادی حاضر شد تا قبل از وقت موعود از قدرت کنار برود اما جنگ افروزان نیز در صدد توطیهٔ جدید در ۱۱ جدی ۱۳۷۲ با تاسیس شورای عالی هماهنگی علیه حکومت مجاهدین دست به کودتای ناکام زدند این کودتا به پیروزی نرسید ولی ده ها هموطن بی گناه کابلی ما در اثر آن جان های شان از دست دادند و یا بی خانمان شدند.

برای اولین بار در تاریخ سیاسی افغانستان، استاد ربانی بود که قرار فیصلهٔ بن در سال ۲۰۰۱ قدرت را بدون خون ریزی و به شکل مسالمت آمیز و مدنی آن به حامد کرزی سپرد.

استاد در عرصه فرهنگی:

استاد ربانی در کنار فعالیت های سیاسی به کار فرهنگی ارج فراوان می گذاشت؛ تاسیس شورای مشورتی فرهنگی در دوران جهاد و حضور شخصیت های مهم فرهنگی در کنار استاد مانند، ملک الشعراء روان شاد استاد خلیل الله خلیلی و ده ها شخصیت دیگر مبین این مدعاست. استاد ربانی رح علاوه از تدریس و عضویت در کدر دانشگاه کابل شخصیت فرهیخته و فرهنگی بی بدیل بود که ده ها اثر و ترجمه دارد: تئوری سیاسی اسلام، تشریح عقاید معتزلی، ترجمهٔ جزء اول « فی ظلال القرآن » درسایه های قرآن، نشانه های راه ترجمه، اسلام و کمونیزم، فاجعهٔ ۲۶ سرطان و سیمای زعامت داوود خان، داوود خان در گذشتهٔ ننگین، حاضر جنایت بار و مستقبل هولناک، چه نوع مبارزه؟، پیغام شهید به مناسبت شهادت انجنیر حبیب الرحمن شهید، اصول بحث و تحقیق از نظر اسلام، یادی از استاد غلام محمد نیازی، اصول تربیت در اسلام، استقلالیت انقلاب، آموختنی هایی در مسیر انقلاب اسلامی و مقالات تحقیقی و سیاسی استاد ربانی در نشرات مهاجرت مانند: میثاق خون، لوای اسلام، مجاهد، مرصدجهاد، المومنات، المجاهدون، سیمای مجاهد، صوت الجهاد، غازی ، د جهاد پلوشه، د جهاد هنداره نشر شده است.

استاد ربانی در نقش رهبر جهاد و مقاومت با مجاهدین و فرماندهان جهاد روابط نهایت نیک و حسنه داشت. نویسندگان و روشنفکران را نیز دوست داشت و به آنها ارج فروان می نهاد.

ترورهای زنجیره ای

گروه های تروریستی و طالبان میخواهند شخصیت سیاسی و نظامی را که در مخالفت با ایشان قرار دارند و می توانند رهبری و مقاومت را علیه آنها بسیج نمایند با راه اندازی حملات وحشتبار انفجاری و انتحاری این شخصیت ها را از سر راه خویش دور کنند. درین راستا اولین قربانی قهرمان ملی کشور شهید احمد شاه مسعود ؛ سید مصطفی کاظمی شهید نماینده مردم در مجلس نمایندگان؛ فرمانده سیدخیلی شهید؛ جنرال محمد داوود شهید فرمانده زون ۳۰۳ پامیر در شمال؛ شهید ملک زرین فرماندهٔ کنر؛ شهید داکتر عبدالله لغمانی؛ شهید خان محمد مجاهد فرماندهٔ پولس قندهار؛ و آخرین قربانی این دسایس زبونانه، رهبر جهاد و مقاومت استاد (رح) بود که این سلسله ادامه خواهد یافت.

استاد ربانی و روند صلح

زمانی که استاد به حیث رئیس شورای عالی صلح برگزیده شد تعدادی کثیری از هودارانش مخالف بودند اما استاد رح می گفت: مسأله صلح و امنیت، یک مسألهٔ ملی است، وقتی صلح و امنیت عامه تهدید شود و ثبات وجود نداشته باشد ، وظیفهٔ دینی ما است، تا در راستای تحقق آن بکوشیم . استاد فکر می کرد، جایز نیست که از مسوولیت دینی، ما فرار کنیم و همه مسوولیت ها به دوش حکومت انداخته شود ، منتقدان نظام نیز در مورد مسایل مانند، جنگ وصلح مسؤولیت دارند تا در تامین صلح و رفاه عامه سهم بگیرند.

استاد برهان الدین ربانی در شورای عالی صلح، برای بقای افغانستان، وحدت ملی و برای صلح و امنیت افغانستان، منطقه و حتی برای صلح جهانی به طور خستگی ناپذیر تلاش کرد و درین راه به مقام شامخ شهادت نایل آمد.

پیام ما به راهروان استاد ربانی رح به خصوص به اعضای شورای رهبری جمعیت اسلامی این است که، در شرایط حساس کنونی با آوردن ریفورم های لازم در همه عرصه ها، در ادامهٔ راه استاد شهید را تعقیب نمایند. یگانه راهی که می شود به پیرزوی کامل دست یافت توافق همگانی بر یک (پلت فارم) بزرگ ملی است که همه شخصیت های مطرح جمعیت جایگاه خویش را داشته باشند.

استاد شهید علاوه بر مسوولیت رهبری جمعیت اسلامی، به حیث محور اساسی و مهم میان اقوام، مذاهب و اقشار مختلف در کشور تبدیل شده بود.

نیاز اتحاد و یکپارچگی در افغانستان نهایت مبرم تر از گذشته است در صورتی که نیروهای بشری جمعیت اسلامی دور یک میز جمع شوند و وحدت حزب را کامل کنند، موفقیت آیندهٔ این حزب فراگیر و افغانستان شمول تضمین خواهد شد.

امریکا و مسیر دشوار صلح...

هر رژیم دیکتاتور و سرکوبگر در جهان، این فرصت را یافته است تا مخالفین خود را به عنوان تروریست سرکوب نماید.

اگر طالبان رسما اعلام جدائی از القاعده نمایند، در میان جنگجویان این گروه این سوال مطرح خواهد شد که چرا این جدائی در سال ۲۰۰۱ اعلام نشد که امارت اسلامی از میان نمی رفت و اینهمه کشتار صورت نمی گرفت. اگر طالبان قانون اساسی افغانستان را بپذیرند، با همین مشکل مواجه خواهند بود. پس برای طالبان بسیار دشوار خواهد بود که چنین شرط ها را بپذیرند و اگر امریکا روی این شرط ها پافشاری نماید، راه تفاهم با طالبان مسدود خواهد شد. این کاری است که امریکا خواستار آن نیست.

طالبان می خواهند امریکا در قدم اول به صورت رسمی تاریخ خروج کامل نیروهای خود از افغانستان را اعلام نماید و به این ترتیب تاریخ رفع اشغال افغانستان معین گردد. طالبان مذاکرات بین الافغانی را مربوط به این اعلام از جانب امریکایی ها ساخته اند. آیا امریکا این کار را خواهد کرد؟ اینکه امریکا در امضای قرارداد استراتژیک با حکومت افغانستان تردید دارد ناشی از همین مشکل است. امریکا امیدوار است که با طالبان به توافقی دست یابد که نیروهای این کشور در افغانستان به حضور خویش ادامه دهند. اما تجربه و شناختی که از طالبان وجود دارد، خلاف این امیدواری امریکاست.

در حالی که سروصدای دفتر طالبان در قطر سرخط رسانه های داخلی وخارجی را تشبیل می داد، هیئتی از حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار به کابل آمد. این شانزدهمین سفر هیئت حزب اسلامی به رهبری قطب الدین هلال به کابل بود. قبلا هیئت حزب اسلامی یک طرح پانزده ماده ای را که شامل ایجاد حکومت موقت و تغییر قانون اساسی بود، به رئیس جمهور کرزی ارائه نمود که مورد استقبال قرار نگرفت. اکنون به نظر می رسد که با آغاز مذاکرات میان امریکا و طالبان، حزب اسلامی در نظریات خود تعدیلات زیادی وارد آورده است.

قریب الرحمن سعید یکی از سخنگویان حزب اسلامی در مصاحبه با سرویس پشتوی رادیو ایران گفت که، حزب اسلامی خواهان تغییر نظام در افغانستان نیست. وی گفت که در طول ده سال گذشته نظامی در افغانستان شکل گرفته است که سرنگون کردن آن درست نیست. این نظام مشکلات و نارسائی هائی دارد که نیازمند اصلاح است. در مورد قانون اساسی هم آقای سعید گفت که، قانون اساسی افغانستان نیاز به بازبینی و اصلاح دارد اما ما خواهان از میان رفتن قانون اساسی و جانشین کردن آن با یک قانون اساسی جدید نیستیم. اما آقای سعید از جواب به این سوال که موقف شان در مورد حضور طویل المدت نیروهای نظامی امریکا در افغانستان چیست، جواب روشنی نداد. آنچه که آقای قریب الرحمن سعید در این مصاحبه گفته است، نمایانگر این حقیقت است که حزب اسلامی دیگر اختلافی با حکومت آقای کرزی ندارد. طرح پانزده ماده ای نیز کنار نهاده شده و در این مورد داکتر غیرت بهیر نیز صحبت هائی با سفرای امریکا و انگلیس داشته است.

سفر اخیر نمایندگان حزب اسلامی در رسانه ها بازتاب زیادی نداشت و فقط به جنبه های خبری آن توجه مبذول گردید اما اینکه آقای سعید به مسایلی اشاره می کند که تاکنون به این صراحت بیان نشده بود، نشان می دهد که مذاکرات میان حزب اسلامی و حکومت افغانستان پیشرفت زیادی داشته است. تعداد زیادی از مجاهدین حزب اسلامی اکنون تحت رهبری طالبان می جنگند و حزب در هیچ نقطهٔ افغانستان، فرماندهٔ نامداری ندارد. احمد رشید دوسال قبل در یک مقاله به امریکا توصیه کرده بود که گروه حقانی را بکوبید، با طالبان مذاکره کنید و حزب را به حال خودش بگذارید. (حزب نیروی رزمی ندارد و مجبور است با حکومت بپیوندد).

بنابراین حتی اگر حزب اسلامی رسما از خشونت دست بکشد، تاثیری بر خشونت ها در کشور نخواهد داشت. جنگجویان حزب اسلامی پیوند استوار خویش با رهبری حزب را از دست داده اند و به همین دلیل کسانی که انگیزهٔ جنگیدن دارند، می توانند به طالبان بپیوندند. چنانچه در بعضی از ولایات جنگجویان حزب به طالبان پیوسته اند.

بنابراین هنوز زود است تا تغییر در موقف طالبان را تغییری راهبردی تلقی کرد. طالبان تصریح کرده اند که مذاکرات با امریکا به معنی ختم جنگ نیست.



تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل رح

استغنا و التجا

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی

آه، سپند حسرتم گرمی مجمری ندید
سوختنم همان بجاست ناله نکرد کارمن
نی به سپهرم التجاست، نه مه ومهرم آشناست
بیدل بیکس توام غیرتو کیست یار من

تصویر عمومی:

اشعار حضرت ابوالمعانی بیدل (رح) به خصوص غزلیات آن از نگاه ارتباط کلمات یک مصراع با یک دیگر و از حیث علاقه و رابطه ی یک مصراع با مصراع دیگر وبالاخره مجموع ابیات یک غزل دارای انسجام و نظم خاصی است، که میتوان آن را از اولین مصراع درک نمود. یا به عباره ی دیگر مفاهیم ومعانی بکر و اعجاب انگیز در همان مصراع اول ادا میگردد. مصراع دوم به حیث شاهد و تأکید آورده میشود. همچنان از خصوصیات عمده ی غزلیات بیدل (رح) یکی هم آوردن مفاهیم مختلف در ضمن هر بیت است. یعنی هر بیت از غزلیات بیدل (رح) دارای معانی خاص و جداگانه است. اما جالب این که با وجود اختلاف مفاهیم ابیات متعدد یک غزل، باز هم غزل مذکور از مطلع تا مقطع دارای یک سیاق و روحیه است. به تعبیر دیگر، هرگاه مطلع مربوط به نیایش باشد، شوق و روحیه ی عمومی آن نیز نیایش است، که این مطلب در هر بیت به طرز گوناگون و متفاوت بیان گردیده است. مثلاً: دو بیت منتخب که این نوشته بر محورآن میچرخد، مربوط است به یک غزل معروف حضرت بیدل (رح) که مطلع آن با این بیت زینت یافته است:

سوخته لاله زار من، رفته گل از کنار من
بی تو نه رنگم و نه بو ای قدمت بهار من

با نخستین دقت و نظراندازی میتوانیم به روحیه و سیاق غزل مذکور پی ببریم. زیرا، ابیات متعدد این غزل با وجود داشتن مفاهیم گوناگون همه دارای یک روحیه و سیاق «التجا و استغنا» است.

محتوی ومفهوم:

بیت اول متضمن التجا ست و بیدل (رح) به اثر نبوغ و استعدادی که دارد، این التجا را به نیکوترین وجه بیان نموده است.

از دیدگاه بیدل (رح) دنیا به اساس ملاحظات خاصی که شرح آن از حوصله ی این نوشته خارج است، به منزله ی مجمریست که هیچ کس نمیتواند از آن، گرمی محبت ورأفت را احساس کند و کسی که در این مجمر درآتش اندوه و حسرت میسوزد، هرچند فریاد کند، کسی به فریادش نمیرسد و ناله هایش نمیتواند کاری برایش انجام دهد. درست مانند سپند، که ناله و فریادش مانع سوختن وی نمیشود و کاری برایش انجام نمیدهد.

و بیت دوم متضمن استغنا والتجاست. در مصراع اول، معراج استغنا تصویرشده است و بیدل (رح) نه به سپهر که موقعیت عالی و بلندی دارد، التجا دارد، و نه با ماه و مهرآشنایی میکند. بل که از التجا و آشنایی با این فلک پیما ها بینیاز است.

مصراع دوم متضمن التجا ست. یعنی این که بیدل (رح) از ما سوی الله بریده است و با هیچ کس و هیچ چیز از عالم امکان خود را وابسته نمیسازد. چون میداند این پدیده ها چه عالی و چه سا فل، همه فانی اند. بناءً این پدیده ها هیچ یک برای بیدل (رح) کس شده نمیتواند و همه کس او، هدف و مقصود نهایی آن هما نا، ذات با قی است، که کس همه بیکسان است.

الفاظ وکلمات:

اگر از زیبایی وآهنگ کلمات که درک مستلزم ذوق به خصوص است، بگذریم، میتوان گفت که هر دو بیت از حیث ارتباط کلمات با یک دیگر و از لحاظ رعا یت محسنات لفظی و معنوی کاملاً غنی و مشبوع است.

صنعت مراعات النظیر که از زیباترین صنعت بدیعی و از لازمیترین ضروریات شعر است، در هردو بیت با مهارت و استادی که خا صه ی بیدل (رح) است، رعایت شده است.

در بیت اول کلمات سپند، مجمر، گرمی و سوختن به معنی حقیقی و همچنان ردیف دیگری از کلمات از قبیل آه، حسرت، ناله و سوختن به معنی مجازی، همه کلماتی است، که به همدیگر رابطه ی مستقیم داشته و همه از یک خا نواده اند و به بهترین وجه صنعت مراعات النظیر را تشکیل داده اند. بناءً اعجاب انگیز است که تقریباً تمام کلمات یک بیت با همدیگر رابطه ی مستقیم داشته با شد و زیبا ترین خصوصیت بدیعی راایجاد کند. وهمچنان دربیت دوم نیز کلمات سپهر، مهر و مه، نظر به رابطه ای که با هم دارند، به قلمرو این صنعت بدیع و زیبا تعلق میگیرند.

هکذا در مصراع اول بیت اول استعمال کلمه ی «گرمی» که مضاف به کلمه ی مجمر است، ایهام را تشکیل داده است. زیرا، معنی قریب کلمه ی مذکور نظر به قرینه مجمر عبارت از گرمی حقیقی است و معنی بعید آن که معنی مراد هم است، عبارت از گرمی الفت و محبت است. چنانچه اصطلاح گرم گرفتن به معنی اظهار محبت و علاقه با یکدیگر استعمال میشود.

حضرت ابوالمعانی بیدل (رح) در بیت دوم با استعمال و استخدام کلماتی، نظیر سپهر، مهر ومه و بیکسی، چنان مبالغه ی زیبایی به کاربرده است، که میتوان از آن استغنا و التجا را، که نمودار دو حالت متفاوت و متضاد است، به بهترین وجه درک نموده، شکوه و عظمت آن را فهمید. زیرا، عدم التجا به سپهر رفیع و عدم آشنایی با مه و مهر، شکوهمندترین جلوهٔ استغنا را به نمایش میگذارد و عرض بیکسی و اظهار این که غیر از او تعالی دیگر یاور و دستگیری نیست، التجا را با عالیترین حالات خشوع و خضوع بیان میدارد و چه زیبا ست، تجسم این دوکیفیت و حالت متضاد در یک تصویر، که نیمرخی از استغنا و غرور و نیمرخی از التجا و خشوع دارد.

سعدی در ادبیات جهان و عرب

استاد عبدالعلی کوهی

إمروز أدبیات ملی ما، نه تنها بر بناها و دستآوردهای جاودان ادب فارسی دری استوار است، بل این ادب، خشتی از سنگ بنای ادبیات جهانی را می سازد؛ طوری که دیده می شود اقطاب و صنادید ادب و عرفان حوزه تمدن خراسان، چقدر در ادبیات جهان محسوس می باشد. مولانا، سنایی، جامی، سعدی، خیام، حافظ و دیگران جایگاه خاص و بلند را در ادبیات جهان باز نموده اند. اما در میان شهکار های ادبی نقش سعدی بر جسته است؛ به سخن دیگر سعدی شاعر جهانی است و به بشریت تعلق دارد. گذشته از اینکه، روانی، شیوایی بیان سعدی از یک سو، حکمت اخلاقی و مشرف فلسفی و جهان شمولی کلام و پیام سعدی، وی را در زمرهٔ ادبیات جهان رسانیده است.

سعدی از پیشروان شاعران فارسی دری:

ظهور سعدی در قرن هفتم، نه تنها در شعر فارسی؛ بلکه در نثر این زبان نیز تحول عمده به وجود آورد. سعدی با فردوسی، حافظ، یکی از شاعر بزرگ و بلامنازع فارسی است. در سخن او غزل عاشقانه، در بلندترین مدارج زیبایی و لطافت شاعرانه قرار دارد، لطیف ترین معانی را در ساده ترین واژه ها بیان کرده است. در حکمت، موعظه، پند و آموزه های اخلاقی، حکم و امثال، کلمات قصار، کوتاه و پر معنی که پایه های اخلاق، پند و اندرز را استوار می سازد، از موفق ترین شاعر زبان فارسی دری است.

نثر مزین، آراسته، شیرین و جذاب او در گلستان بهترین نمونه از نثر های فصیح زبان فارسی محسوب می شود. از قرن هفتم به بعد همواره شاعرانی که به هنر شاعری و نثر نویسی پرداخته اند از سعدی تقلید نموده اند؛ طوری که سعدی در حکمت و موعظه و ایراد حکم و امثال از هر شاعر دیگر پارسی گوی موفق تر است. در کلام سعدی غزل آخرین حد لطافت و زیبایی را درک کرده و لطیف ترین معانی در ساده ترین، فصیح ترین و کاملترین الفاظ جا گرفته است. غزل های عاشقانه، غزل های عارفانه، غزل های پند آموز و تلفیقی از ادبیات پند آموز و شعر غنایی در کلام او وجود دارد.

به تدبیر جنگ بد اندیش کوش
مصالح بیاندیش و نیت بپوش
منه در میان راز با هر کسی
که جاسوس هم کاسه دیدم بسی

آنچه سعدی را از سایر شعرای پند آموز امتیاز می بخشد، تنوع لحن سعدی در پندار و اندرز گویی است، پند آموزی گاهی با لحن آمرانه و گاهی هم ملامت با ملایمت و گاهی هم ملامت با پرخاش و تندی همراه بوده است.

از من بگوی عالم تفسیر گوی را
گر در عمل نکوشی نادان مفسری
مردان به سعی و رنج بجای رسیده اند
تو بی هنر کجا رسی از نفس پروری

لحن سعدی در قصیده هایش خطابی، آمرانه و تند است؛ اما در بوستان آرام، پدرانه و مهربان. در هر حالت او سریع، روشن و خالی از تمنا و التماس و ضعف سخن می گوید.

حق گوی را زبان ملامت بود دراز
حق نیست آنچه گفتم؟ اگر هست گو بلی

طعن و انتقاد در باب همه انواع و اصناف مردم در اشعار سعدی فراوان دیده می شود.

به عابدان:

پارسایان روی در مخلوق
پشت بر کعبه میکنند نماز

یا از زبان فقیه به واعظان:

ترک دنیا به مردم آموزند
خویشتن سیم و غله اندوزند

در نوشته های سعدی؛ به ویژه گلستان مورد های انگشت شماری از تاثیر زبان عربی دیده می شود که به پاره یی از آنها پرداخته می شود:

ترتیب صفت و موصوف:

پسران وزیر ناقص عقل
به گدایی به روستا رفتند

منظور (پسران ناقص عقل وزیر) است. در عربی این عبارت چنین است "أبنا الوزیر الناقصون العقل" که إبهامی در آن وجود ندارد؛ زیرا صفت و موصوف هر دو جمع اند و وزیر از اتهام ناقص عقل بودن مصئون می ماند.

مطابقت صفت و موصوف در جمع:

پیاده گان حجاج و بزرگان عدول که صفت هم جمع آورده شده است. اگر سعدی به جای (حجاج) حج گزاران و به جای (عدول) عادلان به کار برده بود، به احتمال نزدیک به یقین نمی توان گفت: (پیاده گان حج گزاران و بزرگان عادلان). این نشان می دهد که جمع عربی برای فارسی زبانان حالت جمع فارسی را ندارد؛ چنانکه بار ها جمع های عربی را دوباره به فارسی جمع بسته اند؛ مانند: منازل ها، مسایل ها، کواکب ها و مانند آن ها فراوان در شعر به کار رفته است و هنوزهم در محاوره به کار می رود.

کار برد حرف های اضافه عربی:

در مورد های زیر حرف های اضافه عربی را در فارسی به کار برده است. عفو کردن از ظالمان جور است بر درویشان، اگر توانگری دهمت مشتغل شوی به مال از من و یا: تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم. در فارسی دری در اولی (از) زاید است و در دومی (مشتغل شدن) از ظاهراً به معنای غفلت کردن به کار نرفته است و در سومی هم (صبر از من توانی کرد) به معنای بدون من صبر توانی کرد فارسی فصیح نیست و در هر سه مثال کاربرد حروف اضافه و ترکیب ها بر گرفته از زبان عربی می باشد که فهم آن در نثر سعدی مشکل را به وجود آورده است.

سعدی و جهان:

سعدی به عنوان شخصیت انسان دوست، دارای طبعیت آرام، معتدل، سازشگر و مایل به انتظام در جامعه غرب معرفی شده است؛ بنا بر این سعدی شاعر جهانی و متعلق به بشریت معرفی شده است. امرسون نوسینده و متفکر معروف امریکایی در قرن نزدهم می گوید: سعدی به زبان همه ملل و اقوام عالم سخن می گوید وگفته های او، مانند: هومر، شکسپیر، سر وانتس و مونتنی، همیشه تازه گی دارد. امرسون کتاب گلستان را یکی از اناجیل و کتب مقدسه دیانتی جهان خوانده است. ارنست رینان منتقد و صاحب نظر فرانسوی می گوید: سعدی واقعا یک تن از نویسنده گان ما است. در آثار منظوم لا فونتین فرانسوی قصه های وجود دارد که به تصدیق سخن سنجان، مقتبس از سعدی است.

لا فونتین و قصهٔ بخیلی که زرش ربودند و سنگ به جای آ نها نهادند، از یک حکایت سعدی آب خورده است، دانشمندان نامداری؛ چون: بالزاک، دیدرو، ولتر، مادام رولاند، ویکتور هوگو، تیوفیل جوتیه، لوکونت دی لیل، الفرید دو موسه و دیگران به سعدی نظر داشته و ادبیات آنرا در اشعار و گفته های خود آورده اند، مثلا: ولتر این بیت سعدی را اقتباس کرده است.

اگر صد سال گبر آتش فروزد
به یک د م کاندر و افتد بسوزد

ادامه دارد

بایدهایی سال دوم، در مجلس نمایندگان

نذرالله عنایت

پس از یک وقفهٔ میان رخصتی، مجلس نمایندگان سال دوم کاری خود را هفتهٔ گذشته آغاز نمود. طبق قانون اساسی افتتاح مجلس نمایندگان، یکی از وظایف رئیس جمهور بوده و آقای کرزی طی سخنانی در روز افتتاح این مجلس، به نمایندگان وعده نمود که پس از تکمیل اعضای رئیسهٔ مجلس، برخی از وزرای سرپرست را که از دوسال بدین سو، وزارت خانه را سرپرستی می نمایند، معرفی خواهند کرد. در عین حال آقای کرزی تصریح کرد متن مسودهٔ قرارداد های راهبردی را که قرار است با برخی از کشورهایی اروپایی و امریکا به امضاء برسانند، به مجلس نمایندگان بفرستد.

طی روزهایی اخیر، مجلس نمایندگان در سه دور انتخابات مؤفق به انتخاب نائب اول، منشی و نائب منشی گردید. این در حالیست که هیچ کس مؤفق به اخذ رأی کافی در پست نائب دوم ولسی جرگه تاهنوز نگردید و بدین ترتیب انتخاب نائب دوم به دورهایی بعدی رفت.

عبدالظاهر قدیر نمایندهٔ ولایت ننگرهار و از منتقدان حامد کرزی، به عنوان نائب اول رئیس مجلس نمایندگان، عبدالستار خواصی نمایندهٔ مردم پروان به حیث منشی مجلس و فرهاد عظیمی نمایندهٔ مردم بلخ به حیث نائب منشی انتخاب شدند.

قرار است امروز شنبه ۸ دلو سال روان برای انتخاب نائب دوم مجلس نمایندگان رأی گیری صورت گیرد. رئیس مجلس نمایندگان برای دورهٔ پنج ساله انتخاب می شود، اما متباقی اعضاء برای یک سال انتخاب می شوند. پس از تکمیل شدن اعضای هیأت اداری، انتخابات رؤسای کمیسیون های هجده گانه است که باید اعضای مجلس بدان ها عطف توجه نموده زمینهٔ را برای انجام دیگر کار ها آماده بسازند.

اساساً آغاز دور دوم مجلس نمایندگان در سال گذشته، همراه با چالش های داخلی و ماهوی بود. در تداوم این همه فرصت کشی ها توسط دولت و نمایندگان مردم، فضای بی باوری در تمام لایه های جامعه برجسته ترگردید. اکنون که انتخاب اعضای هیأت اداری مجلس نمایندگان در حال تکمیل شدن است، انتظار مردم از نمایندگان این است که به وظایف و مسوولیت های اساسی خود درست عمل نموده به مشکلات و چالش هایی که دامنگیر مردم است رسیدگی نمایند. اساساً اولویت های کاری مجلس نمایندگان در سال دوم کاری را می توان قرار ذیل بر شمرد:

۱- تصویب قوانین و نظارت از اعمال حکومت

همانگونه که از نام قوهٔ مقننه پیداست وظایف اساسی این قوه، تصویب قوانین است. مجلس با تصویب قوانین جلو قانون شکنی ها و قانون گریزی هایی دولت را می بندد.

در شرایطی که تمام لایه های جامعه از فساد اداری شکایت دارند، مجلس نمایندگان می توانند با تصویب قوانین و نظارت از اعمال حکومت امیدی برای آیندهٔ بهتر خلق نمایند.

۲- دادن رأی اعتماد به اعضای حکومت

از دو سال بدین سو تعدادی از وزارت خانه هایی حکومت، توسط سرپرست ها اداره می گردد. این در حالیست که وظایفی را که قانون اساسی افغانستان برای یک وزیر تعیین نموده است، از لحاظ حقوقی سرپرست وزارت خانه ها نمی توانند بدان ها رسیدگی نماید.

بدین روی، کارشکنی، قانون گریزی و حیف و میل ساختن سرمایه های ملی به سادگی در وزارت خانه ها صورت می گیرد.

اکنون که شخص رئیس جمهور وعده داده است وزراء را جهت اخذ رأی معرفی می نمایند، به نمایندگان مردم است که به اشخاصی رأی بدهند که دارایی اهلیت قابل اعتماد و خدمتگزار مردم بوده باشند.



حاجی عبدالظاهر قدیر
نائب اول مجلس نمایندگان

؟

نائب دوم مجلس نمایندگان



عبدالستار خواصی
منشی اول مجلس نمایندگان



فرهاد عظیمی
منشی دوم مجلس نمایندگان

۳- موضع گیری جدی در قبال فعالیت های غیر قانونی دولت

قانون شکنی در عملکرد و رفتار دولت افغانستان طی ده سال گذشته به یک امر عادی و مجاز تبدیل شده است. این دولت در بسا موارد ثابت ساخته است که بدون اعتنا به رأی و مشوره های مردمی، اقدام به موقف گیری های نماید که قانوناً مجاز نیست.

در این روز ها مذاکره با طالبان و افتتاح دفتر آنان در قطر از جمله مسایلی است که مردم افغانستان را شدیداً نگران ساخته است. نگرانی مردم از آن جا ناشی می شود که تمام رأی زنی های دولت با جوانب ذیدخل در پشت دروازه های بسته، بدور از انظار مردم و حتی مشوره با نمایندگان شان صورت می گیرد.

بر مجلس نمایندگان است که چستی و چگونگی روند مذاکره با طالبان را از نزدیک بررسی نموده از هر نوع معامله و انفعال بر سر سرنوشت مردم جلوگیری نمایند.

اگر مجلس در این مورد موقف روشن نداشته باشد، دیگر امیدی برای هیچ مرجعی وجود ندارد. مردم افغانستان از بازی های پشت پرده و استخباراتی به ستوه آمده، حق دارند که بدانند مذاکره تحت چه شرایطی با طالبان و گروه های دیگری که دست شان به خون ملت آلوده است، صورت می گیرد.

۴- تصویب بودجهٔ سال ۱۳۹۱

تصویب بودجه از وظایف اساسی مجلس نمایندگان محسوب می شود. مردم افغانستان انتظار دارند که ولسی جرگه پیش از فرا رسیدن سال آینده، بودجهٔ ملی را به تصویب برسانند. زیرا تأخیر در تصویب بودجه منجر به عدم پرداخت مزد و معاش قشر کم درآمد، مامورین دولت و معلمان جامعه می گردد.

۵- پرهیز از قوم گرایی

دور دوم مجلس نمایندگان که سال گذشته همراه با تخلف ها و تقلب های انتخاباتی بود، در پهلوی آن سایهٔ قومگرایی از ابتدا در برخوردها و روند تعیین هیأت رئیسه مشاهده گردید. کشمکش های قومی طی یک سال گذشته خیلی از فرصت ها را گرفت و ولسی جرگه نتوانست به وظایف اساسی خود عمل نماید. انتظار مردم این است که در این دور نمایندگان مردم بدور از سلیقه ها و رفتارهای قومی با عقلانیت و تفکر مدنی به قوهٔ مقننه روح تازه بدمند.

٦- نظارت از تطبیق پروژه ها

یکی دیگر از وظایف مجلس نمایندگان نظارت از تطبیق برنامه های دولت در عرصهٔ داخلی است. نظارت مجلس از ارگان های اجرایی حکومت به ویژه نظارت کامل از برنامه ها و پروگرام های انکشافی وزارت خانه ها یکی دیگر از اولویت هایی است که مجلس نمایندگان باید از آنها ارزیابی نموده، تا این پروژه ها به گونهٔ عادلانه در تمام ولایات تقسیم گردیده و به گونهٔ درست و متوازن به اتمام برسد.

آزموینې او کانکورونه او ...

ځکه د اقتصادي توپیرونو له شتون سره سره داسې کیدل له چور، چپاول او ډاکو غورځولو او قانون په خپل لاس کې اخستلو پرته ممکن ندي او که هر څوک پدې ډګر کې سیالي کول غواړي نو باید چې د عایداتو او شتمنیو د لاسته راوړلو اصول، قوانین او ټولنیز آداب او ارزښتونه په نظر کې وساتي څو ځان د نورو په څیر شتمن او بډای شي. په همدې توګه که هر څوک وغواړي چې ځوی یا لور یې او یا د کورنۍ او ورته منسوبې ټولنې غړی او یا د خپلې سیمې وګړي یې دده د خوښې په ډګر کې زده کړه وکړي او د خپلې خوښې پوهنځي ته بریالی شي نو باید چې د هغې لپاره مطلوب استعداد او وړتیا پیدا کړي او هماغه هومره زیار او زحمت وباسي چې ورته اړتیا ده او که له دغه لیارې پرته دی خپل هدف ته ځان په هره وسیله رسول وغواړي نو دا بې قانوني او د یوې ټولنې د طبیعي او قانوني اصولو او پرنسپونو پرته هڅه ده چې ارتکاب یې په ټولنه کې بې نظمي او لاقانونیت رامینځته کوي خوله بده مرغه چې له ډیرې مودې راهیسې په افغانستان کې دا اصول، ارزښتونه او پرنسپونه له یوې خوا پخپله د چارواکو لخوا نه مراعات کیږي او له بلې خوا د ټولنې د خلکو لخوا. او په ځانګړې توګه د سیمو د زورواکانو، مخورانو او مراعات یافته وو لخوا. حقیقت دادی چې د څو کلونو راهیسې د کانکورونو سیستم د باور وړ ندی او په ولایتونو کې د ځینو بې انصافیو له مخې چې د لوړو زده کړو د وزارت لخوا ترسره کیږي او یا د ځینو ولایتونو او سیمو د چارواکو او زورواکو لخوا پدې هکله سرغړونې او لا قانونۍ رامینځته کیږي په نتیجه کې یې د هرې سیمې هغه زده کوونکي زیانمن کیږي چې په ریښتوني توګه د خپلو خوښو پوهنځیو ته د بریالیتوب حق لري لکه چې داسې کړنه تیر کال د ځینو نورو ولایتونو سربیره د ننګرهار په ولایت کې د کانکور د آزموینې پر مهال رامینځته شوه چې هغه د چا خبره (څه آبې وروسته او څه چاړه تیره) توقه وشوه؛ د یو شمیر بې تفاوتو زورواکو او مراعات یافته وو د لاقانونه هڅو او نتیجه کې یې د لوړو زده کړو د وزارت د راغلي پلاوي د بې ضرورته عکس العمل په نتیجه کې د ننګرهار ولایت ذهینو او هغو ذکي زده کوونکو هم د بریالیتوب چانس له لاسه ورکړ چې هر یو یې په خپلو لیسو کې اول نمره ګڼان بریالی شوي وو او همداسې ورته عمل د هیواد په شمالي ولایتونو کې هم له زده کوونکو سره د لوړو زده کړو د وزارت لخوا ترسره شوی وو او ټول افغان ولس ولیده چې د بامیان له ولایت څخه په کانکور کې د بریالي شوورزده کوونکو سلنه (فیصدی) سل په سلو کې وه او د ننګرهار له خلکو یا نورو ولایتونو له خلکو سره داسې جفا وشوه چې دا هم زمونږ ددې لیکنې د مقدمې سره سم، د بې خایه سیالې پایله وه چې د لوړو زده کړو وزیر صاحب یې د خپل سیمې د خلکو لپاره د اصولو او پرنسپونو په پښو لاندې کولو سره غواړي، وکړي او د هیواد د نورو ولایتونو خوانان ورته د خپل هیواد بچیان نه ښکاري چې په نتیجه کې له ننګرهار ولایت څخه تیر کال یوازې اته په سلو کې زده کوونکي بریالی اعلان شو او هغه هم دارالمعلمینونونو ته او بس. او همداسې رویه له نورو ولایتونو سره هم شوې ده چې ددې سره سره هم ولسي جرګې نوموړی وزیر استیضاح نکړ او د ننګرهار وکیلان د خپل ولس د بچیانو په وړاندې عاجز او ناتوانه پاتې شول.

زه د یو افغان په توګه وایم چې د هیواد ولسمشر او هم مقننه دا دنده لري چې ددغه ناروا سیالیو ناخوالې نورې ختمې کړي او پریږدي چې ذهین ځوانان د خپلو خوښو پوهنځیو ته کامیاب شي او کانکورونه او آزموینې شفافې کړي او د چارواکو او زورواکو له سیطرې څخه یې خلاصې کړي؛ څو هر ځوان مو د خپل ذهانت او لیاقت سره سم یو پوهنځي ته لیاره پیدا کړي چې په راتلونکي کې د ښه او لایقه ډاکټر، استاد، انجینر او د ژوند په هر ډګر کې د ریښتونو مسلکي خلکو څخه برخمن شو او په نتیجه کې مو د ناروغ پاکستان او هند ته د بوتللو اړتیا پیدا نشي. په پای کې د ولسمشر په شمول هر چارواکي او زورواکي دې دغه څو کرښې ولولې او یا دې لوستونکي ورته ورسوي:

<u>[ددې هیواد د خپلواکۍ لپاره یوازې تاسو واکمنانو وینې او یا خولې ندي توې کړي؛ ښایي له تاسو څخه نورو ډیرې قربانۍ ورکړې وي او زیات د قیادت او خدمت وړ هم او سي؛ خیر دی که واک، څواك او شتمنۍ تاسو د خپلو پلرونو میراث وګاڼه او د خپلو ځانونو مو کړ (!) خو پاتې ولس ته د شفافو کانکورونو له لیارې دا حق ورکړئ چې اولادونه یې د خپلو لیاقتونو سره سمو پوهنځیو ته لیار ومومي او همدا ستاسو د اولادونو د خدمت لپاره د لازمو زده کړو په لاسته راوړلو سره د خدمت جوګه شي]</u>

چشم انداز جنگ احتمالی غرب با ایران
زمینه ها و پیامدها

محمد اکرام اندیشمند

پیش زمینه های بین المللی جنگ:

تداوم جنگ تبلیغاتی به صورت جنگ سرد و جنگ اطلاعاتی و امنیتی ناآشکار در واقع جنگ گرم میان ایران و کشورهای غربی به ویژه ایالات متحدهٔ امریکا و اسرائیل پیش زمینه های جنگ است. تشدید و گسترش جنگ سرد و جنگ اطلاعاتی که بیشتر از سوی امریکا و اسرائیل در برابر ایران دنبال می شود، میزان احتمال یک جنگ واقعی و به عبارت دقیق تر احتمال یورش نظامی غرب را علیه ایران بالا می برد. هر چند ایالات متحدهٔ امریکا با جمهوری اسلامی ایران در بخشی از عرصه های سیاست منطقوی منافع مشترک دارد و حتی در زمینه های معینی (چون افغانستان وعراق در اوایل حمله نظامی امریکا) به تعامل مشترک پرداخته اند، اما کثرت نکات تعارض و تقابل میان آنها در سطح منطقه و جهان به احتمال چرخهٔ جنگ شتاب بیشتر می بخشد. عمده ترین نقطهٔ تعارض برنامهٔ هسته یی ایران است. ایالات متحده، اروپای غربی و اسرائیل، ایران مسلح با سلاح اتمی (اتومی) را غیرقابل تحمل می پندارند و آن را عبور از خط قرمز منافع حیاتی خود تلقی می کنند.

پیش زمینه های جنگ با ایران با تحریم فزایندهٔ امریکا و غرب به سرعت فراهم می شود. تحریم بانک مرکزی ایران گام جدی لندن و واشنگتن در این جهت بود. تحریم خرید نفت ایران گام بسیار جدی و خطرناکتری که غرب در حال برداشتن است. این تحریم ها که در واقع کارد را به استخوان و به شاهرگ های گردن ایران می رساند به دو منظور انجام می شود:

نخست، پذیرش شرایط آنها در مورد برنامهٔ هسته یی و یا قول خودشان تغییر سیاست دولت ایران که این در واقع آغاز کار خواهد بود.

دوم، واکنش انفعالی و خشمگینانه جمهوری اسلامی ایران چون بستن تنگه هرمز. این واکنش می تواند اهداف دشمنان منطقه یی و بین المللی ایران را برآورده کند و تمام دولت های غربی را در عقب یورش نظامی امریکا و اسرائیل علیه ایران بکشاند.

پیش زمینه های منطقوی جنگ:

عوامل منطقوی احتمال جنگ و یورش نظامی غرب بر ایران حتی بیشتر از عامل بین المللی است. زمامداران عرب حوزهٔ خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی بیشتر از امریکا و اسرائیل مشتاق حمله نظامی غرب بر ایران هستند. قدرت هسته یی ایران برای آنها مایهٔ نگرانی و یک تصویر تاریخی از احیای امپراتوری قدیم پارس است که قبل از اسلام و در زمان ظهور اسلام به قبایلی از اعراب منطقه تسلط داشت. سیاست مذهبی و آیدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران که پیوسته در صدد نفوذ و تأثیر گذاری بر جوامع شیعه در کشورهای عربی است بر نگرانی دولت های عرب می افزاید. مانور های نظامی اخیر ایران در آب های خلیج فارس و اظهارات تهدید آمیز برخی فرماندهان سپاه، بسیج و ارتش ایران در مورد دولت های عرب متحد امریکا، جمهوری اسلامی ایران را برای آنها ترسناکتر می سازد. در حالی که اعراب از منظر دینی و مذهبی نیز دولت ایران را به عنوان دولت شیعه بهتر از امپراتوری زرتشتی ساسانی نمی دانند تا عواطف اخوت اسلامی شان از حمله ی اسرائیل و امریکا به ایران تحریک شود. تفکر مذهبی حاکم بر عربستان و بسیاری از حلقه ها و گروه های سیاسی – اجتماعی جوامع عربی از دیدگاه سلفیت، ایران شیعه را رافضی و رقیب متخاصم خود می پندارند. آنها با این نگاه و دیدگاه به هیچ صورت اقتدار منطقوی ایران را به خصوص به عنوان قدرت اتمی نمی پذیرند.

ترکیه نیز، هم از لحاظ مذهبی به عنوان وارث امپراتوری سنی عثمانی که با دولت شیعهٔ صفوی رقابت و جنگ های خونین را پشت سرگذاشته است و هم از لحاظ قومی و ملی به ضعف و سقوط ایران از جایگاه اقتدار منطقوی اش می اندیشد. تصب سامانه سپر موشکی ناتو در ترکیه که به صورت آشکار در مقابله با ایران است حکایت از نیات ترکیه در جهت تضعیف ایران دارد. گذشته از آن، دولت ترکیه در موقعیت دشوار انتخاب میان امریکا و ایران، امریکا را انتخاب می کند. و موضع اسرائیل به عنوان کشور کوچک یهودی اما مقتدر و مسلح با سلاح اتمی در مورد ایران هسته یی روشن است.

عوامل بازدارندهٔ جنگ:

در حالی که زمینه های بین المللی و منطقوی جنگ و یورش نظامی بر ایران پیوسته مساعد می شود، مؤلفه های بازدارنده نیز در بستر این زمینه ها می تواند از اشتعال آتش جنگ جلوگیری کند. اما تأثیر گذاری و کارآیی این مؤلفه ها به سه نکتهٔ مهم بر می گردد:

۱– موجودیت واقعی آن عوامل بازدارنده در روند شکل گیری مخاصمت میان ایران و ایالات متحدهٔ امریکا و متحدان جهانی و منطقوی اش.

۲– تأثیرگذاری آن در جلوگیری از جنگ و یورش نظامی بر ایران.

۳– فرصت زمانی در تأثیرگذاری مؤلفه های بازدارندهٔ جنگ. آیا شکل گیری زمینه و فضای جنگ تا مرز نهایی اشتعال آتش جنگ فرصتی را در اختیار مؤلفه های بازدارنده باقی می ماند؟ پاسخ این پرسش را در نگاه به عوامل جنگ می توان بررسی کرد:

توازن نظامی:

موجودیت توازن نظامی میان ایران و دشمنان آن به خصوص امریکا و اسرائیل که آغازگر یورش نظامی به ایران خواهند بود یکی از عوامل بازدارندهٔ جنگ شمرده می شود. ناگفته روشن است که چنین توازن نظامی حتا در سلاح متعارف میان طرفین وجود ندارد. البته برخورداری ایران از سلاح هسته یی که می تواند امریکا را از حملهٔ نظامی بر ایران منصرف کند هنوز نامشخص است. اما توان نظامی متعارف ایران علی رغم پیشرفت در زمینه های تولید موشک و سایر سلاح های سنگین متدوال در یک جنگ احتمالی با توان نظامی دشمنانش قابل مقایسه نیست. آیا ایران می تواند در برابر حملات متعارف و متقارن نظامی غرب و اسرائیل با استفاده از توانایی های نظامی خود در هردو نبرد متعارف و نامتعارف مقاومت کند و آنها را متوقف سازد؟ آیا جمهوری اسلامی ایران خواهد توانست در برابر حملات نظامی غرب و اسرائیل در قلمرو کشورش به مدافعه برخیزد و با حملات متعارف و نامتعارف نظامی تلفات سنگین انسانی و مادی را به امریکایی ها در پایگاه های شان و به اسرائیلی ها در داخل اسرائیل تحمیل کند؟ مثلاً آیا ایران می تواند با شلیک صدها و هزاران موشک ده ها هزار اسرائیلی را در خاک اسرائیل به قتل برساند و حالت مشابه را برسر امریکایی ها در منطقه بیاورد تا آنها اندیشه و طرح حمله به ایران را از سر خود دور کنند؟

مسلم است که نبودِ توازن نظامی میان طرفین توانایی ایران را حتا اگر چنین توانایی تحمیل تلفات انسانی و مادی را بر اسرائیل و امریکایی ها داشته باشد این فرصت را در اختیار ایران نمی گذارد. بالفرض اگر ایران با حملات انبوه موشکی خود ده ها هزار اسرائیلی را در خاک اسرائیل بکشد آیا اسرائیل از حمله با سلاح هستوی بر ایران خودداری خواهد کرد؟

بازی های سیاسی و تعاملات پنهانی:

یکی از نظریاتی که در واقع به عنوان عامل بازدارندهٔ جنگ و یا حمله نظامی امریکا و اسرائیل بر ایران مطرح می شود، به بازی طرفین بر سر منافع شان در منطقه بر می گردد. برخی تحلیلگران از سناریوی ساختگی احتمال حملهٔ نظامی غرب و اسرائیل بر ایران سخن می گویند که هدف گردانندگان آن دسترسی به منافع مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی است. شماری این سناریو را تفاهم مشترک طرفین می پندارند و بعضی آنرا تنها به امریکا و اسرائیل منسوب می کنند. از نظر اسرائیل و امریکا، وجود دولت قدرتمند شیعه در ایران برای مهار اعراب و سلطه بر آنها یک نیاز است. رقابت و مخاصمت میان ایران شیعه و عرب سنی در منطقه، هم امنیت دراز مدت اسرائیل را تأمین می کند و هم فابریکه های اسلحه سازی امریکا و غرب را در میان اعراب پر مشتری می سازد. از جانب دیگر این رقابت و خصومت به افزایش و گسترش وابستگی دولت های عربی نفت خیز خلیج فارس به امریکا می انجامد.

احتمال بازی سیاسی پشت پرده میان ایران و غربی ها می تواند به عنوان عامل بازدارندهٔ جنگ مطرح شود؛ اما هیچگاه شواهد معتبری وجود ندارد که حکایت از این بازی سیاسی داشته باشد. هرچند حلقه های مختلف عربی مخالف با ایران نیز از روابط پنهانی اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران سخن می زنند و حتا امریکا را در همسویی با ایران متهم می کنند که با حملهٔ نظامی برعراق و تشکیل حکومت شیعه در بغداد، ایران را به قدرت منطقوی تبدیل کرد. برعکس ایران نه به صورت رسمی و نه علنی دولت های عربی مخالف خود را متهم به همدستی با اسرائیل و امریکا می کند.

محدودیت های اقتصادی امریکا و غرب:

بحران فزایندهٔ اقتصادی امریکا و اروپا به عنوان یکی از عوامل بازدارندهٔ جنگ و حمله بر ایران مورد توجه قرار می گیرد. بر مبنای این تحلیل، امریکا و اروپا که درگیر بحران عمیق اقتصادی هستند از اشتعال آتش جنگ با ایران اجتناب می کنند. چون جنگ این بحران را عمیق تر و گسترده تر می سازد. این در حالی است که برخی از تحلیلگران صورت معکوس این دیدگاه را ارائه می کنند. به باور آنها بحران اقتصادی در امریکا نه تنها مانع جنگ امریکایی ها نمی شود، بلکه بر عکس آنها را در جهت دستیابی به سود بیشتر به این جنگ وسوسه می کند. جنگ های مختلف امریکایی ها در بیرون از امریکا نیز نشان می دهد که بحران اقتصادی و یا مقروضیت دولت امریکا آنها را از جنگ باز نداشته است.

البته نکتهٔ مهمی که عامل محدودیت اقتصادی جنگ را برای امریکا کم رنگ می سازد به پرداخت هزینهٔ جنگ توسط کشورهای عربی ثروتمند نفت خیز بر می گردد. آنها که بیشتر از امریکا و اسرائیل مشتاق حمله بر ایران هستند هزینهٔ جنگ را هم با اشتیاق خواهند پرداخت.

نقش روسیه وچین در جلوگیری از جنگ:

مخالفت جدی روسیه و چین به حملهٔ نظامی امریکا علیه ایران به عنوان قدرت های اتمی جهان و دو عضو صاحب وتو در شورای امنیت ملل متحد می تواند یکی از عوامل بازدارنده در این حمله باشد. آیا چین و روسیه چنین مخالفتی را در پیش می گیرند که دست امریکا و اسرائیل را از حمله بر ایران باز دارند؟

شواهد موجود حکایت از آن دارد که روسیه و چین در مخاصمت ایران و غرب در پی منافع خود می روند. منافع آنها به ویژه منافع اقتصادی هر دو کشور در داشتن روابط با امریکا بسیار بیشتر از رابطه با ایران است؛ هر چند حمله بر ایران استیلای امریکا را در منطقه تقویت می کند که برای مسکو و پیکنگ خبر خوش آیندی نیست.

سفر اخیر نخست وزیر چین به کشورهای عربی نفت دار خلیج فارس پس از ارائهٔ طرح تحریم نفت ایران نشان می دهد که چینی ها حتا قبل از تحریم، هوای موافقت با غرب را در سر دارند.

هرچند روسیه در مورد حملهٔ احتمالی امریکا بر ایران هوشدار می دهد و گاهی به اظهارات متناقض می پردازد، اما تاریخ قدیم روابط روس ها در دوران تزار ها و حاکمیت کمونیست ها با ایران نشان می دهد که آنها از هر فرصتی بر ضد ایران استفاده کرده اند. اگر جنگ و یورش نظامی امریکا و غرب بر ایران اجتناب ناپذیر شود، روسیه و چین هیچ گامی را ص۷

جهت رفع اینهمه چالش ها و تنش ها در کشور راه دراز را خواهیم پیمود!

ث – ثامر

مجلس نمایندگان افغانستان که از ابتدای تشکیل آن به شانزده دور می رسد و بعد از سقوط رژیم طالبان (عقرب ۱۳۸۰) دورهٔ پانزدهم آن ختم و از دورهٔ شانزدهم که یک سال می گذرد، در افتتاح سال دوم این دوره، حامد کرزی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور و اعضای کابینه و اعضای هر دو اتاق (مجلس نمایندگان و سنا) حضور داشتند. این مجلس در حالی افتتاح شد که تنش هایی میان مجلس نمایندگان و میان حکومت طی سال گذشته، سبب عقب مانی برخی امور شد. طبق اظهارات وزارت عدلیه، به تصویب قانون از سوی این نهاد قانونگذار رسیدگی نشده است. این تنش ها، بی باوری اکثریت مردم را نسبت به انتخابات، رأی، گزینش نماینده، دموکراسی و دولت و حکومت به بار آورده است که ترمیم و اعتماد سازی مجدد، نیاز به زمان دارد.

در طول یک دههٔ اخیر، تعدادی از مردم و برخی گروه ها و احزاب، طرفدار نظام پارلمانی و برخی هم که جانب آقای کرزی را داشتند، به نظام ریاستی تأکید می کردند که سرانجام نظام ریاستی حاکم گردید.

اما تنش ها و اعتراض ها همچنان بجای خود باقیست. آقای رئیس جمهور در ۲۹ قوس سال جاری در مصاحبه با برخی رسانه ها گفته بود که، نظام های ریاستی و پارلمانی در جوامع مختلف مزیت ها خود را داراست اما برای افغانستان نظام ریاستی را به مدت ده سال دیگر بهتر دانسته بود.

آقای کرزی گفته بود، افغانستان ده سال دیگر پس از تقویت اساسات ملی و ایجاد توانایی در ادارهٔ خویش جهت تغییر در قانون اساسی برای تبدیل نظام ریاستی به نظام پارلمانی اگر بخواهد، نیاز دارد. اما قبل از آن، تغییر در قانون اساسی به منفعت ما نیست و من با آن موافقت ندارم. اما آقای کرزی در محفل افتتاحیهٔ سال دوم دور شانزدهم تقنینی شورای ملی نیز تاکید کرد که، افغانستان آزمایشگاه و لابراتوار سیاسی بیگانگان نیست که در هر چند سال یکبار نظام و یا ساختار سیاسی دیگری را در آن به آزمایش بگذارند. این اظهارات رئیس جمهور در پی سفر چندی پیش سران جبههٔ ملی به کشور جرمنی است که در آنجا با چند تن اعضای کانگرس امریکا، روی تغییر نظام سیاسی صحبت شده است.

رئیس جمهور در محفل افتتاحیهٔ پارلمان گفت: در اینجا می خواهم با بسیار صراحت و قاطعیت بگویم که ما هرگز اجازه نخواهیم داد تا رویای خطرناک یک آزمایش سیاسی دیگر در کشور ما به واقعیت بپیوندد.

صلح که نیاز مبرم مردم افغانستان است و تلاش هایی در این راستا از جوانب مختلف در جریان بوده و است، آقای رئیس جمهور روی این امر مهم نیز اشاره کرد، و در ارتباط پروسهٔ صلح، صاحب پروسهٔ صلح و مذاکرات، ملت افغانستان را وانمود کرده، افزود، با وجود قربانی های دولت افغانستان و شورای عالی صلح، به تلاش های خویش در جهت آوردن صلح به کشور، ادامه می دهیم. هیچ کشور یا نهاد بیگانهٔ این حق را از مردم افغانستان گرفته نمی تواند. این گفته اشاره به مذاکرات صلح امریکا با طالبان و ایجاد دفتر ارتباطی برای طالبان در قطر است که ابتداء بدون در جریان قرار داشتن حکومت افغانستان صورت گرفته بود.

آقای گروسمن نمایندهٔ رئیس جمهور امریکا در امور افغانستان و پاکستان نیز در سفری که در ارتباط صلح و برقراری روابط بین برخی کشورها به منطقه داشت، پاکستان آقای گروسمن را نپذیرفت، اما با آقای کرزی ملاقات نمود، که آقای کرزی به گروسمن گفته است، افغانستان بیش از این تحمل جنگ، کشتارهای زنجیره ای، انتحار و انفجار را ندارد. هفتهٔ گذشته، در خبرنامهٔ ریاست جمهوری آمده بود که، نمایندهٔ ایالات متحدهٔ امریکا در دیدار با آقای کرزی گفته است: «پس از رویدادهای دلخراشی که در این اواخر اتفاق افتاد، وضعیت و نگرانی های شما را ما درک می کنیم و موضع گیری شما برای تامین امنیت در افغانستان را خوب می دانیم.»

اما آقای گروسمن یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته، بعد از دیدار دو روزه با مقامات کشور، در کنفرانس مطبوعاتی نیاز ایجاد دفتر برای طالبان را در قطر اعلام کرده گفت، «برای ایجاد دفتر طالبان در قطر ما همچنان نیاز داریم که طالبان بطور آشکارا تروریزم بین المللی را تقبیح کنند و برای پایان جنگ در افغانستان از پروسه صلح حمایت نمایند.» آقای گروسمن گفته است که، حکومت های افغانستان و قطر باهم تماس برقرار نمایند تا این دفتر هرچه زودتر گشایش یابد. در حالی که بعد از سروصدای ایجاد این دفتر در قطر، شورای عالی صلح گفته بود، شکررنجی هایی میان دو دولت (افغانستان و قطر) به میان آمده که باید هیأتی جهت رفع این شکررنجی به قطر برود. از سوی دیگر، طالبان دولت افغانستان را طرف مذاکره با خود نمی دانند.

تا جایی که دیده می شود دولت افغانستان هم در موضعگیری های خود ثابت قدم نیست. در مورد ایجاد دفتر در قطر مخالفت کرد، اما به زودی حمایتش را اعلام نمود، در مورد انتقال زندانیان طالب از گوانتانامو به قطر واکنش نشان داد اما معین سیاسی وزارت امور خارجه در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با مارک گروسمن، در مورد رهایی زندانیان طالب از زندان گونتانامو گفت، اگر امریکا بخواهد که زندانیان طالبان را رها و به قطر بفرستد، حکومت افغانستان از این اقدام حمایت می کند.

نمایندهٔ امریکا در دیدار با آقای کرزی، بر فشار بالای پاکستان تأکید نموده است، در حالی که پاکستان از پذیرش نمایندهٔ امریکا در امور افغانستان و پاکستان اباء ورزید. رئیس جمهور افغانستان هم بعد از شهادت استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح، اعلام کرده بود که دیگر مذاکره و صلح با طالبان معنی ندارد. آقای کرزی در حالی که حامی اصلی طالبان، پاکستان را خوانده بود، گفته بود که، بعد از این مستقیماً با پاکستان مذاکره صورت گیرد. آگاهان امور عدم اشتراک پاکستان را در کنفرانس مهم بُن دوم در جرمنی، ناشی از این تنش ها قلمداد می نمایند. آقای کرزی در افتتاح سال دوم دور شانزدهم پارلمان کشور، با ابراز تأسف از ترورهای زنجیره ای اخیر یادآور شده در رأس شان، از استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح نام برد. اما از کسانی که (انتحاری ها) بنا بر فریب طالبان و خارجیان به کشورما فرستاده شده و کشته شده اند، نیز تأسف و همدردی اش را اعلام کرد. از نظر قانون، رئیس جمهور که مدافع مردم می باشد، چنین اظهارات که هم به شهید و هم به انتحاری تأسف می خورد، مایهٔ نگرانی برخی مردم گردیده است. زیرا پیش از این هم به کرات طالبان را برادر خطاب کرده است. با اینهمه چالش ها و تنش هایی که در کشور وجود دارد، انجام آن که به منافع ملی بینجامد و مردم خستهٔ مان را بسوی رفاه و خوشبختی سوق دهد، تا جایی که حدس زده می شود، راه درازی را خواهد پیمود.

خطوط اساسی و کاری...

معدود گردیده است که باید به آن معضل پرداخته شود، در صورتی که قدرت سیاسی در میان اقوام تقسیم نگردد و انکشاف متوازن دروازهٔ هر ولایت را نکوبد، با گفتن نظام ریاستی و دفاع از آن نه تنها بحران در کشور تشدید خواهد شد؛ بلکه پیوند مردم و حکومت از هم فرو خواهد پاشید. پیش از اینکه طرح خطوط اساسی دولت یک کار عملی باشد و بتواند جلو بی مبالاتی، فساد و لگام گسیختگی ها را در عرصه داخلی و بین المللی بگیرد، شعاری بیش نخواهد بود و ارائه این طرح حکایت از یک بحران عمیق می نماید که دولت بدان مواجه می باشد؛ زیرا کاری را که دولت می بایست در ده سال قبل بدان دست می یازید، اکنون آغاز کرده است که امیدی برای عملی بودن آن وجود ندارد.

باید گفت دیگر عصر بزرگ منشی به پایان رسیده است، جامعه بر مبنای روابط مردم استوار است؛ به سخن دیگر جامعه شامل واقعیت های اجتماعی و جریان های آن ها است. امروز در یک جامعهٔ کوچک ما در بیگانگی زندگی می کنیم؛ حتی خون و خانواده به سرنوشت این مردم حکومت می کند، چه رسد به سایر پدیده های منفی. هم اکنون چیزی که طنین خوب برای مردمان خسته از جنگ دارد، بازگشت امید به قلب های شکسته از امید است، چگونه می توان شمشیر انتقام خواهی را در غلاف فرو برد؟ این ها و ده ها مسایل دیگر در جامعهٔ ما وجود دارد که باید در خطوط اساسی و کاری دولت قرار داشته باشد. چیزی که در افغانستان به یک رویاء تبدیل شده است.

چشم انداز جنگ احتمالی...

در جهت نارضایتی و خصومت با امریکا بر سر ایران بر نمی دارند.

عقب نشینی ایران در دقیقهٔ نود:

آیا عقب نشینی ایران در دقیقهٔ نود و قبل از آخرین فرصت های اشتعال آتش جنگ می تواند این آتش را خاموش نگهدارد؟ اما چرا ایران در دقیقهٔ نود عقب نشینی کند؟

برخی به این باور هستند که دولت ایران و رهبران آن کشور سروصدای حملهٔ نظامی امریکا و اسرائیل را بر ایران سناریوی ساختگی و تبلیغاتی امریکا و اسرائیل تلقی می کنند. در حالی که دولتمردان ایران به چنین حمله ای معتقد نیستند اما پیوسته می کوشند تا از تبلیغات حمله بر ایران در داخل بهره برداری کنند. فضای داخل کشور را فضای خصومت و جنگ با امریکا و اسرائیل نگهدارند و سیاست تقابل با دنیای غرب و سیاست اختناق در داخل را در این فضاء موجه نشان دهند. حتا اگر زمامداران ایران حملهٔ نظامی امریکا را جدی فکر کنند، عوامل مختلفی را که به برخی آن اشاره شد مانع تحقق این حمله می پندارند. ولی اگر رهبران جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه برسند که یورش نظامی امریکا وارد مرحلهٔ عملی می شود، عقب نشیی از مواضع خود را به عنوان عامل بازدارنده از این یورش، بی درنگ مورد توجه قرار می دهند. آیا این عقب نشینی در واپسین دقایق، کارآیی خواهد داشت و مانع هجوم غرب بر ایران خواهد شد؟

اگر امریکا و متحدان اروپایی شان اراده و مطالبهٔ متحدان عرب نفت دار خود را در تضعیف ایران مدنظر داشته باشند و آنرا استراتیژی مشترک خود تلقی کنند و اگر اسرائیل کاهش اقتدار ایران را در سر خط منافع امنیتی خود قرار داده باشد، به سختی می توان گفت که عقب نشینی ایران در دقیقهٔ نود مانع اشتعال آتش جنگ شود.

کیفیت و پیامد جنگ:

اگر هیچ کدام از عوامل بازدارنده، مانع وقوع جنگ نشود و ایران مورد حملهٔ نظامی امریکا و اسرائیل قرار گیرد، کیفیت و پیامد جنگ غیر قابل مقایسه و پیش بینی با تمام جنگ های منطقه در شصت سال اخیر خواهد بود.

غرب به رهبری امریکا با تمام ظرفیت هوایی و موشکی بر تمام مراکز نظامی و اقتصادی ایران حمله خواهد کرد تا به سرعت فرصت استفادهٔ ایران را از حملات متقابل متعارف و نامتعارف بگیرد و جنگ را در مرکز انرژی و شاهراه انتقال نفت در زمان کوتاه پایان دهد.

ارمتاژ معاون وزارت خارجهٔ امریکا پس از حملهٔ یازدهم سپتمبر۲۰۰۱ با پیام جورج بوش به اسلام آباد رفت. او به ژنرال مشرف رئیس دولت پاکستان گفت: یا در جنگ با القاعده کنار امریکا قرار می گیرد و یا امریکا با بم و موشک پاکستان را به عصر حجر برمی گرداند.

امریکایی ها پاکستان را به عصر حجر برنگشتاندند، اما اگر ایران در معرض یورش نظامی آنها و متحدان غربی شان قرار گیرد این هجوم بسیار ویرانگر خواهد بود. این هجوم تمدن ایران را که در سده های بسیار متوالی شکل گرفته است به سوی ویرانی می برد و موجودیت ایران را به حیث یک کشور واحد تهدید می کند.

هفته نامۀ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرنند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال دهم – شمارۀ سی و دوم ۸ دلو ۱۳۹۰ ٤ ربیع الاول ۱٤۳۳ - 28 January 2012

آزموینې او کانکورونه او د چارواکو او خلکو مسؤلیتونه

شفیق

انسان په طبیعي توګه د سیالۍ غریزې لرونکی دی او هر څوك غواړي چې اولاد او یا ورته خواب ویونکې تولنه یې ښه زده کړه وکړي او په نتیجه کې یې د خپلو خوښو پوهنځیو ته بریالی او له زده کړو څخه برخمن شي؛ لکه څنګه چې د دولت او شتمنۍ لاسته راوړل یوه فطري غریزه ده او هر څوك زیار باسي چې لاسته یې راوړي او د خپل فکري لید سره سم یې تملك کړي او ویې لګوي.

خو دا چې انسانان په اقتصادي ژوند کې هم د یو ځانګړي الهي حکمت له مخې په بیلا بیلو طبقو کې پیدا شوي او د یوې ټولنې ټول وګړي له اقتصادي پلوه د یوه حالت لرونکي نه اوسي؛ ځینې فقیر او بې وزله اوسي ترڅو په انساني ژوند کې یو بل ته د اړتیا له مخې یو د بل په خدمت کې لګیا او بوخت شي او په ټولنیز ژوند کې تعطل رامینځته نشي. همدارنګه انسانان د ذهني استعدادونو او ذکاوتونو له مخې یو برابر ندي.

پیداشوي؛ ځینې ذهین، ذکي او تیز فهمه پیداشوي دي، ځینې بیا غبي وي، کورمغزه او له ذهني او دماغي پلوه تنبل او کم ذکاوته. او ځینې بیا د خپل الله ورکړي استعداد او ذکاوت په اعلی درجه کې د نبوغ تر حده قرار لري چې له همدې امله په یوه ټولنه کې ځینې خلك د خپل ذهنی او دماغي ورتیا له مخې د هغو کارونو لپاره وړ اوسي چې عام وګړي یې اهلیت او وړتیا نلري لکه چې د جسمي او بدني پیاوړتیا پر بنیاد هم ځینې ځوانان او د ټولنې وګړي هر ډول مشقت او تمرین وړتیا لري؛ ورځخه ورزشکاران او پیاوړي لوبغاړي



جوړیږي او ځینې د خپل ضعیفه خلقت له مخې بیا دا وړتیا نلري. چې دغه ګردواړه خلقتونه د ځانګړو حکمتونو لرونکي دي. نو له هر انسان څخه باید د هغه د ځانګړتیا سره سم په ټولنه کې کار واخستلی شي او په هماغه لپاره او جهت کې سوق کړای شي د کوم چې توان او طاقت یې لري.

که چیرې ټول انسانان وغواړي چې یو برابر اقتصاد لرونکي او شتمن اوسي او ددغه هدف لپاره هره وسیله په کار واچوي نو ضرور بې نظمي او له قانون څخه سرغړاوی رامینځته کیږي؛

۵مخ

خطوط اساسی و کاری دولت

تکساری

رئیس جمهور کشور در مراسم آغاز کار سال دوم مجلس نمایندگان، به موارد زیادی پرداخت و از هر فصل و باب سخن گفت. از گفته های جالب موصوف تأیید دفتر نمایندگی طالبان در قطر و مذاکره با حزب اسلامی در کابل بود که رئیس جمهور با خرسندی از آن یاد کرد و از جمله سخنان جالب وی، ارائۀ طرح خطوط کاری و اساسی دولت به مجلس نمایندگان بود. رئیس دولت وعده سپرد که طی کمتر از دو هفته این خطوط اساسی را به پارلمان خواهد فرستاد.

رئیس دولت بعد از ده سال اکنون از خطوط اساسی صحبت می کند و از برنامه های راهبردی با کشورهای امریکا، اروپا و کشورهای دور و نزدیک سخن می گوید؛ اما طرح یک چنین خطوط باید در سر لوحۀ کار ادارۀ موقت و حکومت انتخابی قرار می گرفت، نه بعد از ده سال.

بعد از ده سال دولت از خطوط اساسی حرف می زند، خطوطی که چند و چون آن معلوم نیست و نظر سنجی پیرامون این خطوط با لایه ها و طبقات مختلف جامعۀ سیاسی، اجتماعی، علمی، اقتصادی و فرهنگی کشور صورت نگرفته است. یک چنین تصمیم بیان از یک سردرگمی نا مطمئن حاکم بر فضای سیاسی کشور دارد؛ در حالی که حوادث اخیر سیاسی افغانستان نشان می دهد که دولت نسبت به شتاب در تغییرات عقب مانده است و در عقب کاروان روان می باشد.

وقتی خبر دفتر نمایندگی طالبان در قطر و جریان مذاکره امریکایی ها با طالبان از سوی رسانه ها پخش شد، دولت به شدت به گشایش این دفتر از خود واکنش نشان داد، حتی سفیر خود را به کابل فراخواند و این حرکت را جریان غیر افغانی خواند و بعد از گذشت چند روز دولت تغییر عقیده داد و این ذلت را درپالیسی های کلان حکومتداری پذیرفت و آن را تأیید نمود. در حقیقت یک چنین تأیید، خبر فروپاشی وجهه و وقار بین المللی دولت را در قبال داشت. مذاکره طالبان و امریکا می تواند حکایت از یک بی اعتمادی میان دولت و امریکا بوده باشد.

امریکایی ها در این مذاکرات بیشتر پیرامون منافع خود می گردند، تا منافع افغانستان. اگر منظور دولت از طرح خطوط کاری و اساسی، پاره یی از اصلاحات در عرصه های ملی و بین المللی بوده باشد، دولت در این عرصه ها کمترین کاری را انجام داده است. بازسازی زیر ساخت ها، ایجاد جامعۀ قانونمند، حاکمیت سراسری، توزیع عادلانۀ قدرت، سیاست، انکشاف متوازن کشور و تطبیق قانون، این ها از مواردی اند که باید دولت از آغاز کار خویش بدان می پرداخت، نمی شود مردم را با ساخت چند جاده، مکتب، شفاخانه قانع ساخت.

حضور فزیکی قوت های بین المللی؛ به ویژه امریکا، محو و نابودی تروریزم بود و امروز نیز اصلی ترین معضل افغانستان را این موضوع می سازد. فهمیده نمی شود که رئیس دولت از کدام خطوط اساسی حرف می زند؟ آیا منظور از طرح خطوط کاری دولت مشارکت سیاسی با مخالفان خویش است؟ آیا دولت قادر خواهد بود با این کفایت نا چیز خود، یک بدنۀ بزرگ مخالفان خود، به ویژه طالبان و حزب اسلامی را در این حاکمیت فرا خواند؟ و این در حالی است که مخالفان دولت از یک موضع بزرگ قدرت حرف می زنند و می خواهند در آینده یی افغانستان نقش محوری داشته باشند.

همین اکنون در نزد دولت مخالفان این نظام محبوبیت بیشتر نسبت به شهروندان کشور دارد. به هر صورت آنچه از خطوط اساسی را که دولت در آستین دارد، بدون شک راه های بازگشت به جامعۀ قانونمند، تطبیق قانون اساسی، بازگشت ثبات در کشور، آزادی های مدنی و از این قبیل موارد در کشور خواهد بود. چیزی که دولت در ظرف ده سال در این زمینه های پیشرفتی است.

نمی شود در یک چنین شرایط حساس و بحرانی که اپوزیسیون دولت در داخل کشور در حال شکل گرفتن است و برنامۀ دولت را یکسره زیر پرسش قرار داده است و مخالفان دولت در جریان مذاکرات با متحدان دولت در جهت کسب امتیاز بیشتر اند، این طرح کارساز بوده باشد. امروز دولت حاضر نیست حتی سخنان اپوزیسیون را در داخل کشور بشنود و در برابر هر طرح جدید از خود واکنش شدید نشان می دهد. به تحلیل اپوزیسیون دولت، سیستم سیاسی موجود منجر به تحکیم قدرت در دستان اشخاص

ص۵

آیساف واقعات برخورد سربازان افغان و خارجی را بررسی می کند

فیض

سخنگوی آیساف جنرال کارستن جاکوبسن روز سه شنبه هفتۀ گذشته به رسانه ها گفته است که تمام واقعات مربوط به برخورد مسلحانه ای که میان نیروهای افغان و بین المللی تا حال صورت گرفته، طور جدا گانه مورد بررسی قرار می دهند تا سرنخ و عوامل این گونه رویدادها را روشن نمایند.

این تصمیم را آیساف در پی رویداد هفتۀ پیش رویدست گرفته است که یک سرباز اردوی ملی در ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا، همکاران فرانسوی خود را هدف تیر اندازی قرارداد و در نتیجه، چهار تن آنها کشته و ۱۷ تن دیگر زخمی شدند.

پیش از این، در میدان هوایی کابل و جاهای دیگر چنین واقعاتی رخ داده که نیروهای افغان بالای نیروهای خارجی تیراندازی نموده اند.

به گفتۀ سخنگوی آیساف، در عقب هر یک از این رویداد ها که منجر به کشته وز خمی شدن عساکر شان می شود، عوامل جداگانه ای وجود داشته اند. در حالی که طالبان این رویدادها را به عهده می گیرند، اما سخنگوی آیساف می گوید که،

آنان تأیید کرده نمی توانند که علت اساسی این گونه رویدادها نفوذ طالبان در میان نیروهای افغان باشد. آقای جاکوبسن می گوید: «هیچ گونه نشانه از نفوذ سیستماتیک مخالفان مسلح در صفوف نیروهای افغان وجود ندارد. در حقیقت این چیزی است که ما هر روز آنرا به طور جدی مورد بررسی قرار می دهیم. تا جایی که در گذشته ما در مورد این گونه رویدادها تحقیقات را انجام داده ایم، عامل هر رویداد مختلف بوده است. تا اکنون بسیار وقت است که در این گونه کشتار ها و به طور خاص رویداد اخیر در مورد دخیل بودن طالبان چیزی گفته شود.»

در تحقیقات منتشر شده از قول شخصی که بالای سربازان فرانسوی شیلک نموده بود گفته شده که، موصوف این عمل را در پی مشاهدۀ فلمی که عساکر امریکایی بالای جسد چهار افغان بی حرمتی کرده بودند، انجام داده است. اما وزارت دفاع ملی کشور، اکثر این رویدادها را بیماری های روانی و خصومت های شخصی وانمود کرده است.

بعد از وقوع حملۀ انتحاری در وزارت دفاع ملی، ریاست امنیت ملی گفته بود که جهت جلوگیری از افراد نفوذی طالبان در وزارت های دفاع ملی و وزارت امور داخله، این اداره نظارت خواهد نمود. سخنگوی ریاست عمومی امنیت ملی به رسانه ها گفته بود، با وجود فرمان رئیس جمهور کرزی، وزارت های دفاع و داخله افغانستان به آنها اجازه نمی دهند که فعالیت های اردوی ملی و پولیس ملی را از نظر استخباراتی نظارت نمایند.

پیام تسلیت

انا لله و انا الیه راجعون
اعضای هیأت تحریر و کارکنان هفته نامۀ مجاهد، وفات مصطفی جان ارجمندی محترم عبدالشکور واقف حکیمی عضو شورای رهبری و سخنگوی جمعیت اسلامی را به وی و تمام اعضای خانوادۀ شان تسلیت می گویند. «اداره»